

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۵۴، دوشنبه ۱ دی ۱۳۹۳ (۲۲ دسامبر ۲۰۱۴)

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

* در سوک درگذشت مادر ترگل.....ص ۲

این غده چرکین درمان نمی شود، آن را باید از بیخ بُرید - مهدی سامع.....ص ۳

نان یا "نظام"، انتخاب این است - منصور امان.....ص ۵

تعیین حداقل دستمزد؛ بهبود معیشت یا نهادینه کردن فقر - زینت میرهاشمی.....ص ۸

تقابل دو طبقه متخاصم، در آخرین ماه ۲۰۱۴ - لیلا جدیدی.....ص ۱۱

دولت بی تدبیر و نا امید - جعفر پویه.....ص ۱۷

چالشهای معلمان در آذر ماه - فرنگیس بایقره.....ص ۲۱

اخبار کارورزان سلامت - امید برهانی.....ص ۲۴

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۳ - زینت میرهاشمی.....ص ۲۸

زنان در مسیر رهایی - سپیده سرشار.....ص ۳۴

فقر، اعتیاد و نبود آموزش اجتماعی ارمغان سیاه ولایت فقیه - اسد طاهری.....ص ۳۸

ما با یک جنبش زیست محیطی جدید روبرو هستیم - برگردان: بابک.....ص ۴۰

رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی.....ص ۴۴

"آرزوی سبز" - م. وحیدی (م.صبح).....ص ۴۹

فشار و تهدید زندانیان اعتصابی کرد نقض آشکار حقوق بشر است - لیلا جدیدی.....ص ۵۰

شهادت فدایی دی ماه.....ص ۵۱

انتشارات تصویری سازمان.....ص ۵۲

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

چهل و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

شنبه ۷ فوریه ۲۰۱۵ برابر با ۱۸ بهمن ۱۳۹۳

در سوک درگذشت مادر ترگل



با تاثر و تاسف بسیار روز چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۳ مادر ترگل درگذشت. زنده یاد مادر ترگل مبارزی خستگی ناپذیر و پایدار بود که دو فرزندش، رفقا هوشنگ و خسرو ترگل (گروه آرمان خلق)، در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه به شهادت رسیدند.

مادر ترگل هم در دوران رژیم گذشته و هم در دوران رژیم ولایت فقیه برای آزادی و عدالت و حقوق انسانی مبارزه می کرد و در چند سال گذشته با بیماری سرطان درگیر شده بود. او طی سه دهه گذشته به طور مرتب هر جمعه به قطعه ۳۳ در بهشت زهرا می رفت. مادر ترگل با خصوصیات برجسته انسانی یار و پشتیبان همه خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی بود.

روز جمعه ۲۱ آذر مراسم گرامیداشت مادر ترگل با حضور جمعی از دوستان و آشنایان و فعالان سیاسی - اجتماعی برگزار شد.

از جانب خود و از جانب رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، فقدان مادر ترگل را به خانواده این مادر انقلابی، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به همه آزادیخواهان ایران تسلیت می گویم. یادش هرگز فراموش نخواهد شد.

مهدی سامع دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۳ - ۱۵ دسامبر ۲۰۱۴



ادای احترام و در ضمن آن یک تصحیح

بهزاد کریمی

گرامی باد خاطره و نام زنده یاد مادر ترگل مبارز و نیز این تصحیح در اطلاعیه به موقع و ارزشمند رفیق مهدی سامع، که زنده یاد خسرو ترگل اعدام شده به همراه زنده یاد حسین سلاحی در زمستان ۵۳، برادر زاده - نه که برادر - زنده یاد هوشنگ ترگل از اعضای گروه آرمان خلق بود که به همراه رفیق حماسه آفرین همایون کتیرایی و دو رفیق دیگر هم گروه شان در پاییز سال ۵۰ تیرباران شدند. مادر ترگل، مادر واقعی هر دو آنان نبود، اگرچه مادر مبارز هر دو آنان و بسیاری دیگر از مبارزان به شمار می رفت.

منبع: سایت اخبار روز

تاریخ انتشار: ۲۵ آذر ۱۳۹۳

چهل و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سياهکل
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

کلن - آلمان

شنبه ۷ فوریه ۲۰۱۵ برابر با ۱۸ بهمن ۱۳۹۳

که هستیم و چه می گوئیم؟

پاسخ به چند سوال

سخنران: لیلا جدیدی

بحث آزاد و برنامه هنری

از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۸ شب

مکان: کلن - آلمان

Bürgerhaus Zollstock

Rosenzweigweg 3

Köln 50969

Germany

این غده چرکین درمان نمی شود، آن را باید از بیخ بُرید

مهدی سامع

پیشروی گفتاری هاشمی رفسنجانی در مرز تحمل ولی فقیه با حمله سنگین از جانب محمد خامنه ای روبرو شد. این آتشباری سنگین که ترکشهای آن به قبر خمینی و بهشتی هم اصابت کرده، به گفته رفسنجانی باعث سر باز کردن «دمل چرکین» چند ساله شد. سید علی خامنه ای به عادت همیشگی یکی از سرسپردگان خود را به صحنه آورد تا همزمان خمینی، بهشتی، منتظری، سید احمد و سرانجام هاشمی رفسنجانی را منکوب کرده و سر جای خود بنشانند. گرچه چهار تن اول در قید حیات نبوده و قادر به دفاع از خود نیستند، اما هاشمی رفسنجانی در پاسخی تند به سید علی خامنه ای یادآوری کرد که ولایت اش مدیون نقش منحصر به فرد اوست.

پاسخ رفسنجانی با امضای دفتر او منتشر شده و در فرازی از آن نوشته شده: «آقای سید محمد خامنه ای، احتمالاً در روز رحلت امام و انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، نبودند... وگرنه همگان می دانند که آیت الله هاشمی رفسنجانی چه نقشی در آن مقطع برای تعیین رهبری داشته اند!». این گزنده ترین یادآوری برای ولی

فقیه است. علاوه بر این هاشمی رفسنجانی در پاسخ خود، به طور غیر مستقیم «انصاف، عدالت و حقیقت» ولی فقیه را زیر سوال برده است. در پاسخ می خوانیم که «خطاب ما در این مقاله به آقای سید محمد خامنه‌ای است که به خاطر سکوت و نسبت خویش، باید آینه تمام نمای انصاف، عدالت و حقیقت باشد.» کلمات «سکوت و نسبت» که به طور حتم آگاهانه و حساب شده انتخاب شده است، نه به سید محمد خامنه‌ای که خطاب به سید علی است. حملات زنجیره‌ای سر سپردگان ولی فقیه به رفسنجانی و دار و دسته او هر چقدر گسترده و مداوم است، نمی تواند جبران کننده زهر پاسخ هاشمی رفسنجانی باشد. علی خامنه‌ای همواره به کسانی همچون رفسنجانی که در مورد «فتنه» سکوت کرده اند حمله کرده است. اکنون نوبت به رفسنجانی رسیده تا خامنه‌ای را مورد خطاب قرار داده و بگوید «چرا کسانی که در جریان تصمیمات انقلاب، دفاع مقدس، توطئه‌های ریز و درشت ضدانقلابیون و منافقین در این کشور هستند، در این گونه موارد که بدیهیات انقلاب تحریف و تخریب می‌شود، سکوت کرده و برای دفاع از نظام اسلامی، سخنان سخیف و داستان سراییهای تخیلی گروهی بغض آلود را پاسخ نداده و تماشاچی شده اند؟!». کسی که از «ریز و درشت» رویدادهای دوره اول جمهوری اسلامی خبر داره، علاوه بر رفسنجانی، کسی جز خامنه‌ای نیست و اکنون خامنه‌ای هم کارگردان و هم تماشاچی تعزیه‌ای است که در آن خمینی و بهشتی همراه با رفسنجانی قرار است ضربه فنی شوند.

خامنه‌ای طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ چندین ضربه کاری به رفسنجانی وارد کرد اما نتوانست او را از صحنه خارج کند. در آخرین انتخابات صلاحیت او را رد کرد و گمان می کرد با برآمد سعید جلیلی آخرین ضربه را به یار و مددکار قدیمی اش وارد خواهد کرد. اما رفسنجانی که از در خارج شده بود از پنجره وارد شد و سیر رویدادها ولی فقیه را مجبور کرد که با پذیرش حسن روحانی به شکست مهندسی انتخابات اعتراف کند. به نظر می رسد این آخرین حمله بیش از آن که کارساز باشد، دردسر آفرین شده است. اعتراض برخی از اصول گرایان به حرفهای محمد خامنه‌ای همین موضوع را ثابت می کند. هرچند که خامنه‌ای با بگیر و ببند و با تازیانه و زندان و اعدام به طور نسبی خیزش گسترده توده‌ای را مهار کرده، اما شکاف در بالا هر روز عمیق تر می شود و ولی فقیه نمی تواند آن را مهار کند و این غده چرکین را درمان کند. اکنون این فقط رفسنجانی نیست که جا به جا برای ولایت دردسر ایجاد می کند، حسن روحانی هم همین راه را در پیش گرفته است.

روز یکشنبه ۱۶ آذر، حسن روحانی به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه سخنرانی کرد و گفت: «یک عده تازه به دوران رسیده که البته ما به آنها هم احترام می گذاریم، نمی خواهند این قدر نسبت به آینده و ارزشهای انقلاب و ارزشهای اسلام دل نگران باشند». خطاب او ظاهراً دلوپسان بود، اما روز بعد در «همایش ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد» مفهوم حرفهایش شفاف تر شد. این همایش همان است که سید علی خامنه‌ای آن را با طعنه و در جمله «این سمینارها و امثال آنها چه معجزه‌ای می کند؟» بی ارزش کرد و حسن روحانی طی سخنرانی در این همایش گفت: «اگر اطلاعات، تفنگ، پول، سرمایه، روزنامه، سایت و خبرگزاری و دیگر مظاهر قدرت در یک نهاد جمع شود، حتی اگر ابوذر و سلمان هم وجود داشته باشد، فاسد می‌شود.»

به گفته اغلب مفسران سیاسی منظور روحانی از این توصیفات، سپاه پاسداران است. این البته بخشی از واقعیت است، اما منعکس کننده همه واقعیت نیست. هرچند پس از این سخنان هم سپاه پاسداران و هم دولت روحانی بر دوستی و همکاری با هم تاکید کردند، اما واقعیت این است که روحانی همزمان با سپاه، بیت خامنه‌ای که صاحب و هدایت کننده اصلی قدرت و ثروت است و «اطلاعات، تفنگ، پول، سرمایه، روزنامه، سایت و خبرگزاری و دیگر مظاهر قدرت» را در دست دارد به چالش می کشد و همین موضوع باعث خشم سرسپردگان بیت می شود.

روز سه شنبه ۱۸ آذر، طاهری سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: «ما پیشنهاد می‌کنیم که آقای رئیس‌جمهور هر جا که می‌خواهد سخنرانی کند یک لیوان آب خنک در کنار خود داشته باشد. چرا که ایشان وقتی عصبانی می‌شود کنترل از دستش خارج می‌شود... و خیلی زود از کوره در می‌رود و منتقدان خود را به باد پرخاش و الفاظ نامناسب می‌گیرد.»

روزنامه وطن امروز وابسته به جبهه پایداری در سرمقاله روز سه شنبه ۱۸ آذر، با تیتراژ «آن خنده و این خشم» نوشت: «وقتی مقام بلند پایه دولتی که می‌گوید متخصص امنیت ملی است، بی آن که لازم بداند کوچک ترین سند و مدرکی ارائه کند، آبروی سلمان و ابوزهرای کشور را به حراج می‌گذارد و برای نیشخند چند جوانک که بسا به او رای نداده اند و نخواهند هم داد، نسبت به فاسد شدن آنها هشدار می‌دهد، منطقی این است که فکر کنیم حقیقتی هست که بناست پنهان نگه داشته شود. چیزی مثلاً از این قبیل که برنامه ای در پیش است که نگرانند سلمان و ابوزهرها مقابل آن بایستند، نقشه ای که می‌ترسند بر آب شود یا بده بستانی که نگران افشای آن هستند.»

نویسنده روزنامه وطن امروز به خوبی می‌داند که در مورد بده و بستان اتمی، توافقی بدون تایید ولی فقیه صورت نخواهد گرفت. پس چه برنامه دیگری می‌تواند در پیش باشد که «سلمان و ابوزهرها» قصد دارند در مقابل آن بایستند؟ طرح این گونه ای سوال با توسل به اندیشه های «دایی جان ناپلئون» برای پنهان کردن یک واقعیت آشکار از درون مایه ولایت خامنه ای است.

دمل چرکین ولایت فقیه سرباز کرده و چرک و عفونت آن درمانی ندارد. این غده چرکین را باید از پیکر جامعه ایران بُرید و به زباله دان تاریخ سپرد. رفسنجانی و دار و دسته او به شمول حسن روحانی برای جلوگیری از این رویداد، به دنبال «مشروط» کردن ولایت و تقسیم «تفنگ، پول، سرمایه، روزنامه، سایت و خبرگزاری» هستند و خامنه ای در رویای تمرکز و انحصار مطلق بر «تفنگ، پول، سرمایه، روزنامه، سایت و خبرگزاری». مردم اما آزادی و عدالت می‌خواهند و در ماه گذشته در حرکت‌های گوناگون این خواست را بیان کردند و جامعه ایران در چالش و تقابل این سه راه حل همچنان در جوشش و غلیان آشکار و پنهان است.

نان یا "نظام"، انتخاب این است

منصور امان

بسا شتابان تر از آنچه که انتظار می‌رفت، آثار بی نتیجه ماندن مذاکرات هسته ای در وین و تداوم پیامدهای سخت بحران اتمی برای اقتصاد کشور و زیست و معاش جامعه، خود را به نمایش گذاشته است. کوتاه شدن فاصله بین تصمیم‌های سیاسی در این پهنه و پدیدار شدن آثار مادی آنها، خبر از خودکار شدن دینامیزم مخربی می‌دهد که بحران اتمی رژیم مَلاها به جریان انداخته است و قربانیان آن را در درجه نخست گسترده ترین بخش‌های جامعه تشکیل می‌دهند.

در این فرایند ناگزیر، پرسش اصلی همواره این است که بهای تداوم بحران را چه کسانی باید بپردازند و چگونه می‌توان آنها را وادار کرد تا بدان گردن نهند و اعتراضات احتمالی شان را خاموش ساخت.

خیز دولت در جهت حذف بیشتر یارانه کالاهای اساسی و گران ساختن خدمات همگانی از یکسو و لایحه بودجه سال آینده و هدفها و ارجحیتهای آن از سوی دیگر، به هر دو بخش سووال بالا پاسخ می‌دهد.

افزایش قیمت نان

به خوبی پیش بینی پذیر است که حکومت اهرم کاستن از مخارج خویش را در نقطه ای به کار بیاندازد که کسب بیشترین بهره را از آن انتظار می‌کشد. این نقطه هیچ جا جز بازار مصرف کالاهای پایه ای نیست؛ سراچه ای که گسترده ترین اقشار اجتماعی مشتری آن هستند. از این رو، شگفت آور نمی‌تواند باشد که با وزش هر تندبادی که

حکومت را به لرزه درآورد، صندوق جادویی نیازمندیهای همگانی با نان، شکر، روغن، آب، برق، گاز، نفت، بنزین، بهداشت، آموزش و جز آنها، نخستین منبعی است که به سویس دست دراز می شود.

این واقعیت که دور تازه یورش به سطح زندگی توده با ربودن نان از سفره آن آغاز گردیده، گویای وخامت شرایطی است که حکومت در آن بسر می برد. چرا که به دلیل نقش مرکزی این ماده غذایی در سفره و چرخه تغذیه اکثریت جامعه که دسترسی محدودی به کالاهای خوراکی گران تر دارند یا به طور کلی از آن محرومند، بهای نان فقط یک پرسش اقتصادی نیست و جایگاه سیاسی حساس و ویژه ای را از آن خود کرده است.

حکومت به خوبی آگاه است که دستکاری در بهای نان بدون برانگیختن خشم جامعه علیه خود ممکن نیست و با این وجود، برخلاف تبلیغات پیشین خود برای زمینه سازی در این زمینه که از "شیب ملایم" افزایش قیمت سخن می گفت، به گونه ناگهانی و با جهشی از ۳۰ تا ۲۰۰ درصد، دست به گران کردن نرخ نان زده است؛ واکنش ریسک آمیزی که از اجبار حکومت به پذیرفتن آن می توان درجه وخامت موقعیتی که در آن بسر می برد را حدس زد.

دلایلی که دولت آقای روحانی برای توجیه این اقدام فلاکت زا ارایه کرده، اگر چه به خودی خود ارزش پرداختن ندارد، اما دستکم از آن رو که یک پرده از اطوار وقیحانه دولت پیشین در همین زمینه فراتر می رود و فرایند رشد گام به گام شارلاتانیسم دولتی به مثابه شیوه تنظیم ارتباط با جامعه را تعقیب پذیر می کند، می تواند درس آموز باشد.

در حالی که دولت آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، فریبکارانه پرداخت یارانه نقدی را جبران افزایش بهای نان معرفی می کرد و به این وسیله مسوولیت این اقدام را می پذیرفت، جانشینان او به گل هر گونه مسوولیتی را از خود سلب کرده و نانواییها را تصمیم گیرنده و مسوول گرانی معرفی می کنند. سخنگوی دولت، آقای نوبخت، در نقش یک شعبده باز ناشی، این استدلال را از کلاه بیرون کشیده است: "دولت هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت نان ندارد ... اما این اجازه را به نانواییها در آستانهای مختلف خواهد داد تا براساس اقتضات هر استان به منظور جبران مابه التفاوت افزایش هزینه های جانبی، قیمت نان را تا حداکثر ۳۰ درصد افزایش دهند."

پایور دولتی توضیح نداده آنچه که به ادعای او "حداکثر ۳۰ درصد" گران شده، نان پخت شده از آرد سوپسیدی و به نرخ دولتی است. بنابراین اگر آقای روحانی و دوستان به راستی نگران "افزایش هزینه های جانبی" نانواییها بودند، می توانستند به جای برداشتن "مابه التفاوت" از جیب مردم، خود آن را با افزایش یارانه گندم و فروش ارزان تر آرد دولتی به نانواییها جبران کنند. در کشوری که به اعتراف وزیر کار، ۱۲ میلیون نفر از جمعیت آن "فقیر غذایی" محسوب می شوند و به بیان روشن تر، با گرسنگی دسته و پنجه نرم می کنند، پشتیبانی دولت از دسترسی جامعه به غذای اصلی اش، یک وظیفه بدیهی است و ارجحیتی فراتر از آن وجود ندارد.

حُفره های مالی حکومت

این مُعادله اما برای رژیم ولایت فقیه که نخستین ارجحیت آن بقا در قُدرت و حفاظت از منافع ناشی از آن در برابر "دشمنان" است، اعتباری ندارد. در انتخاب بین دست و پا کردن و گردآوری ابزار اقتدار و شرایط زیست و کار جامعه، انتخاب "نظام" همواره و در هر شرایطی، برخورداری از امکانات و وسایل کُنترل منابع قُدرت و ثروت است.

سند بودجه ارایه شده از سوی دولت برای سال ۹۴، شاهد بی ماندی از مرزبندی روشن بین اولویتهای "نظام" در یک سو و نیازهای جامعه در سمت دیگر است. صراحتی که تدوین کنندگان سند مزبور در بیان نُقاط تقدّم و تاخُر بودجه گذاری به خرج داده اند، بیش از همه به دلیل فشارهایی است که بحران هسته ای بر دخل و خرج حکومت وارد آورده و با هر روز استمرار بیشتر، به گونه قوی تری خودنمایی می کند. آشکار ترین نمود این وضعیت در بودجه ۹۴، کاهش ۱۶ هزار میلیارد دَلاری اصل بودجه نسبت به سال گذشته است. بودجه عمومی سال ۹۳ برابر با ۲۳۵ هزار میلیارد تومان بوده است که در سال ۹۴ به ۲۱۹ هزار میلیارد تومان کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، در این بودجه یک حُفره ۴۶ هزار میلیارد تومانی نیز خود را به نمایش گذاشته که اگر درصد تورم سال آینده نیز از ارزش واقعی بودجه کسر گردد، آنگاه روشن خواهد شد که رقم کسری و میزان چاپ اسکناس بسا بیشتر از آنچه است که اعلام گردیده.

آنچه ژرفای کسری بودجه را بیشتر می کند، مُحاسبه درآمدهای حُکومت در سال آینده بر مبنای قیمت ۷۲ دلاری هر بُشکه نفت است. این خوش بینی غیر مُدلل درحالی است که سَقوط آزاد بهای نفت در بازارهای جهانی که از ۵ ماه پیش آغاز گردیده، همچنان ادامه دارد. قیمت هر بُشکه نفت در تیر ماه سال جاری ۱۰۰ دلار بود و اکنون در آخرین روزهای ماه آذر با بهایی نزدیک به فقط نیمی از آن (بین ۵۵ تا ۶۰ دلار) مُعامله می شود.

در همین حال چشم انداز روشنی در مورد سیر تحول بهای نفت بدانگونه که دولت آقای روحانی در بودجه اش تصویر کرده وجود ندارد. برعکس، آژانس بین المللی انرژی پیش بینی می کند که قیمتها در سال آینده همچنان کاهش یابد. بنا به مُحاسبات نهاد مزبور، در سال در پیش میلادی، مصرف نفت روزی ۲۳۰ هزار بشکه کمتر خواهد شد. جالب ترین بخش بودجه ۹۴ اعلام تامین ۷۷ درصدی آن از محلی به جُز درآمد نفت است. اگرچه حُکومت در تبلیغات خود ادعا می کند که این امر خودخواسته و برای "کاهش اتکا به نفت" است، اما علت اصلی را باید از تحریم نفتی رژیم جمهوری اسلامی و تعیین سقف مُجاز فروش از سوی طرفهای خارجی آن برگرفت. جمهوری اسلامی اجازه فروش بیش از یک میلیون بُشکه نفت در روز را ندارد، در حالی که برای تامین مخارج خود دستکم به فروش بیش از دو برابر این میزان نیازمند است.

در هر صورت، پُرسش این است که رژیم ولایت فقیه قصد دارد کدام منابع را جایگزین درآمدهای بادآورده نفتی کند. محبوب ترین آدرسی که رهبران و پایوران حُکومت در این رابطه می دهند، کسب مالیات و پس از آن نشانی مُبهمی به نام "سایر درآمدها" است. حتی اگر در فانتزی ترین حالت فرض بر این گرفته شود که بخشهای صنعتی و خدماتی نیرومندی در کشور وجود دارند که کسب و کار آنها بدان اندازه سنگین و پُر رونق است که مالیات ناشی از آن برای تامین هزینه های دولت کافی است، آنگاه پُرسش این است که چشمه های جوشان مزبور در شرایط تحریمهای بازرگانی و مالی، محدودیت شدید منابع ارزی و در حالی که رُکود سر تا پای فعالیتهای اقتصادی را در بر گرفته، چگونه خواهند توانست صندوق خالی دولت را پُر کنند.

بنابراین، واقعی ترین درآمد مالیاتی دولت همچون گذشته از محل پهن کردن تور مالیاتی برای کارگران، کارمندان و سایر مُزدبگیران رسمی و نیز مصرف کنندگان برمی گردد، دولت آقای روحانی برای تامین بخشی از کمبودهای خود به این منبع چشم دوخته است.

افزایش بودجه نظامی

باوجود سَقوط درآمدهای واقعی حُکومت و اختلاف عمیق بین دخل و خرج آن، به یکباره در تقسیم بودجه به ارگانهای نظامی و امنیتی این شکاف به هم آمده و دولت آقای روحانی با گشاده دستی و به یک ضربت، مبالغ دریافتی آنها را نزدیک به ۳۳ درصد افزایش داده است. به این گونه که سهم نیروهای مُسلح حُکومت از خزانه همگانی در سال آینده بیش از ۲۸ هزار میلیارد تومان (نزدیک به ده و نیم میلیارد دلار) خواهد بود که در مُقایسه با سال جاری، نزدیک به هفت هزار میلیارد تومان افزایش داشته است.

باید توجه داشت که نزدیک به دو سوم (۱۸ هزار میلیارد تومان) از رقم یاد شده که نام "بودجه دفاعی" بر آن نهاده شده را سپاه پاسداران و زیرمجموعه آن، بسیج، به جیب خواهند زد.

ارگان سرکوب دیگری که با اندک دلارهای نفتی به شدت تقویت گردیده، وزارت اطلاعات است که حُکومت ۲۲ هزار میلیارد تومان را برای حفاظت از خود به پایش خواهد ریخت. رقم یاد شده ۳۵ درصد بیشتر از مبلغی است که این ارگان امنیتی در سال جاری صرف جاسوسی از شهروندان، پیگرد آنها و توسعه اختناق در جامعه می کند.

شایان یادآوری است که این حجم کلان هزینه های نظامی و امنیتی، مُستقل از ده هزار میلیارد تومانی است که در بودجه ۹۴ به ردیفی به نام "کُکم به کشورهای هدف" اختصاص یافته است و بخشی از هزینه ریخت و پاش "نظام" در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین را به دوش می کشد.

برآمد

اعداد و ارقام بودجه، آرایش حکومت در سال آینده علیه جامعه، نیازها و خواسته های آن را بازگو می کنند. رژیم ولایت فقیه در تنگنای اقتصادی بحران اُتمی و هراسان از پیامدهای سیاسی و اجتماعی عقب نشینی اجباری در برابر طرفهای خارجی و در حالی که در هر دوی این صحنه ها علیه منافع مردم ایران گام برمی دارد، شمشیر را برای جامعه از رو بسته است.

بودجه دولت حُجت الاسلام روحانی اعلان جنگ به اکثریت جامعه ایران و نواختن شیپور تهاجم به نان و آب و کار و مسکن آنهاست. هزینه کلان این اُردوکشی را سیاه بر سفید می توان در سند مکتوب آن دید و سیاستی که آن را انشا کرده است، در سرکوب هر چه شدیدتر و گستاخانه تر نهادها و فعالیتهای مدنی، صنفی و سیاسی، نتیجه سرمایه گذاری اش را می جوید.

با این حال، نان یا "نظام" گزینه هایی نیست که فقط دستگاه قُدرت در برابر خود داشته باشد؛ زیر فشار سهمگین حکومت، جامعه نیز به گونه رُشد یابنده با این انتخاب درگیر خواهد شد.

تعیین حداقل دستمزد؛ بهبود معیشت یا نهادینه کردن فقر

زینت میرهاشمی

در ماههای پایانی سال به زمان تعیین حداقل دستمزد از طرف شورای عالی کار نزدیک می شویم. شیوه همیشگی تعیین دستمزد پایه به دلیل غیر واقعی بودن آن بر معیارها و استانداردهای زندگی خانوار کارگری، باعث افزایش فقر و تنگدستی در میان نیروی کار شده است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان، تعداد مردمی که زیر خط فقر روزگار به سر می برند افزایش پیدا کرده است. با توجه به کاهش بهای نفت در اقتصاد نفتی، رشد فساد، اختلاس و دزدی در سطح بالای حکومت، تعیین دستمزد پایه برای سال ۱۳۹۴ نه به بهبود شرایط زندگی و معیشت بلکه به نهادینگی فقر کمک خواهد کرد.

دستمزد پایه همه ساله در شورای عالی کار متشکل از نماینده دولت به عنوان بزرگ سرمایه دار، نماینده کارفرمایان و نماینده ای انتصابی از جانب حاکمیت به عنوان نماینده کارگران، تعیین می شود. بر اساس قانون کار موجود این دستمزد باید همخوان با نرخ تورم و سبد هزینه یک خانوار چهار نفری باشد. تا کنون این مواد قانون کار در مورد تعیین حداقل دستمزد در شورای عالی کار رعایت نشده است.

در سال گذشته پایوران رژیم قبل از نهایی شدن تصمیم شورای عالی کار، دست به تشکیل کمیته مزد زدند. شورای عالی کار مصلحت را پایه چانه زنی بر سر مزد قرار داد و به نظر کمیته مزد، اعتنایی نکرد. از سویی دیگر افرادی که در شورای عالی کار به عنوان نماینده کارگری شرکت می کنند از نهادهای ساخته شده دولت هستند. این افراد قبل از تصمیم شورای عالی کار، در سخنرانیهای خود از ارقام معقول تری برای دستمزد پایه حرف زده و به ظاهر خود را دلسوز کارگران نشان می دهند، در حالی که در شورای عالی کار به سود حفظ نظام و به در جهت منافع سرمایه داران تسلیم می شوند. این گونه تعیین حداقل مزد علاوه بر این که هیچ همخوانی با نرخ تورم و واقعیتهای بحران اقتصادی موجود ندارد بلکه بدون مشارکت کارگران و مزدبگیران و از بالای سر آنان صورت می گیرد. بر همین منظر حقوق پایه کارگران و مزدبگیران در سال ۹۴ هم بر پایه چانه زنی و نرخهای غیر واقعی تورم اعلام شده از طرف دولت «تدبیر و امید» تعیین خواهد شد. بر اساس گمانه زنیهای منتشر شده در تارنماهای وابسته به حکومت، دستمزد پایه در بهترین

شکل از افزایش ۱۵ تا ۱۷ درصدی برخوردار خواهد شد. این پیش‌گوییها با توجه به افزایش ۱۴ درصد دستمزد کارکنان دولت در طرح بودجه سال ۹۴ مطرح شده است. در حالی که سال گذشته این افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصد بوده است. پیش‌بینی می‌شود که پایه حقوق که نزدیک به حقوق کارمندان دولت است با افزایش ۱۷ درصدی در سال ۹۴ روبرو شود.

نگاهی به لایحه بودجه دولت که برای تصویب به مجلس فرستاده شده، نظر پیش‌گویان را تایید می‌کند. در متن لایحه بودجه، افزایش حقوق کارمندان دولت افزایش ۱۴ درصد در نظر گرفته شده است. حقوق پایه ۶۰۰ هزار تومانی سال جاری در بهترین شکل یعنی افزایش ۱۷ درصدی (پیشنهاد دولت) در سال ۹۴ به ۷۰۲ هزار تومان خواهد رسید. مزد سال جاری یک سوم خط فقر است، از آن جایی که خط فقر ثابت نبوده و به ویژه با کاهش قیمت نفت همراه با گسترش بحران اقتصادی، خط فقر نرخ صعودی خواهد داشت، ۱۷ درصد افزایش مزد هیچ مشکلی از مزدبگیران را حل نخواهد کرد. با توجه به این که یارانه های نقدی هیچ تغییری نخواهد کرد، مقدار آن در برابر افزایش قیمتها و نرخ تورم مشکلی حتا از یارانه بگیران حل نخواهد کرد.

خبرگزاری حکومتی ایسنا روز یکشنبه ۳۰ آذر، به نقل از مرکز آمار ایران نوشت که در سال گذشته، تهران با متوسط هزینه ماهانه زندگی دو میلیون و ۲۸۰ هزار تومان برای هر خانوار، پرهزینه ترین شهر ایران بوده است و همزمان اعلام شد که میزان مصرف برنج، نان، گوشت و شیر در ۱۰ سال گذشته تا ۳۵ درصد کاهش یافته است.

خبرگزاری حکومتی مهر روز یکشنبه ۲۵ آبان گزارشی از هزینه ماهیانه یک خانواده چهار نفره را منتشر کرد. بر اساس داده های آماری این گزارش به نقل از مرکز آمار؛ هزینه های خانوار شهری در ایران به بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. در حالی که حداقل دستمزد ماهانه کارگران حدود ۶۰۹ هزار تومان است. خط فقر بالاتر از یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است و بنابراین فاصله درآمد با هزینه یک خانواده کارگری بالاتر از فاجعه است.

افزایش بودجه ۳۲ درصدی نظامی و ۱۴ درصدی مزدبگیران

در لایحه پیشنهادی بودجه برای سال ۱۳۹۴، اعتبارات مربوط به حقوق مزدبگیران با توجه به نرخ تورم کاهش پیدا کرده و در مقابل بودجه نهادهای نظامی، تاسیسات، انجمنها و شبکه هایی که به امنیت نظام ربط پیدا می کند، افزایش دارد. در حالی که بودجه سال جاری با در نظر گرفتن ۱۰۰ دلار برای هر بشکه نفت صادراتی تدوین شد، برای سال آینده قیمت هر بشکه نفت ۷۰ دلار در نظر گرفته شده و در نتیجه درآمد حاصل از فروش نفت صادراتی، ۳۰ درصد کاهش دارد. در حالی که هنوز لایحه بودجه تصویب نشده قیمن نفت ایران حدود ۵۵ دلار برای هر بشکه است. بر اساس برخی از ارقام منتشر شده در لایحه پیشنهادی به مجلس برای امور نظامی، شامل وزارت دفاع، ستاد مشترک ارتش، ستاد مشترک سپاه، بسیج و ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح در مجموع بیش از ۳۲ درصد افزایش در نظر گرفته شده است.

با توجه به کاهش درآمد حاصل از صادرات نفت، افزایش بودجه نظامی به صورت مستقیم فقر و تنگدستی بیشتر را بر مردم تحمیل خواهد کرد. بر اساس گزارش روز یکشنبه ۱۶ آذر خبرگزاری حکومتی فارس، حقوق کارمندان دولت در سال آینده به میزان ۱۴ درصد و طرحهای عمرانی حدود ۱۶ درصد افزایش می یابد. این افزایش با توجه به نرخ تورم، به معنی کاهش درآمد کارکنان دولت است. پس بدین ترتیب بسیجی و سپاهی شدن در حکومت ولی فقیه نان و آب بیشتری دارد زیرا حقوقشان افزایش چشمگیرتری خواهد داشت.

افزایش قیمت نان به نفع حکومت

افزایش نامتعارف قیمت کالاهای اساسی و مواد خوراکی از ویژگیهای اقتصاد بیمار با مدیریت حکومتی فاسد است. این گونه افزایش قیمتها بی ثباتی عجیب و غریبی در قیمتها پدید آورده است. مدل افزایش قیمت نان که اخیرا توسط دولت روحانی اعلام شده است، از شیوه های ولایت فقیهی است.

معاون روحانی اعلام کرده که دولت قصد افزایش بهای نان را ندارد اما به نانوائیها اجازه می دهد که قیمت نان را تا حداکثر ۳۰ درصد افزایش دهند. حرف سخنگوی دولت روحانی این پیام را به مردم می رساند که مسئول افزایش بهای نان نانوائیها هستند نه دولت. این گونه قیمت گذاری بر اولیه ترین مواد خوراکی، از یک سو هرج و مرج به راه خواهد انداخت و از سوی دیگر رژیم در برابر خشم و نارضایتی گرسنگان، اقشار مختلف جامعه را در برابر هم قرار خواهد داد. این کارگزار رژیم شیادانه مطرح می کند که این گونه افزایش بهای نان به سود هر سه طرف است. وی می گوید: «باید همه تلاش کنیم که به گونه ای عمل شود که هم تولید کننده و هم مصرف کننده و هم عرصه کنندگان نان مُتضرر نشوند». این شیادانه ترین استدلال است که فقط در قوطی عطاری رژیم ولایت فقیه می توان یافت.

تکلیف وعده های سرخرمن روحانی چه می شود؟

در پی انتشار گزارش آژانس بین المللی انرژی پیرامون تقاضای انرژی، قیمت نفت خام به طور بی سابقه کاهش پیدا کرد. برخی از تحلیلگران اقتصادی پیش بینی می کنند که بهای نفت خام در آینده ای نزدیک به ۴۵ دلار برای هر بشکه برسد.

حسن روحانی که با وعده رفع تحریمها و بهبود وضعیت اقتصادی خود را برنده صندوق انتخابات ولایت فقیه اعلام کرد، با کاهش بهای نفت تا این میزان با چالش جدی روبرو خواهد شد. وی با ارائه لایحه بودجه سال ۹۴ به مجلس مدعی شد که اتکای بودجه سال آینده به نفت کاهش پیدا خواهد کرد. واقعیت این است که تولید و صادرات نمی تواند وابستگی بودجه به نفت را کاهش دهد. بنا بر همه شواهد و داده های آماری تقریباً یک سوم واحدهای تولیدی فعال هستند. از سویی دیگر سیاست اشتغال زایی احمدی نژاد به گل نشست و دولت روحانی با گفتن این که اقتصادی ویرانه را تحویل گرفته نمی تواند گریبان خود را از معضل رها کند.

پس اثرات کاهش بهای نفت در اقتصاد بیمار بر دوش مردم خواهد افتاد. به ویژه این که حکومتی فاسد و دزد برنامه ریز اقتصاد باشد. به نظر می رسد حسن روحانی برای پر کردن این حفره به مالیات گیری از مردم چشم دوخته است. البته مالیات دهندگان ایرانی کسانی نیستند که بند نافشان به لایه بالایی هرم قدرت وصل است. نورچشمیها، آقازاده ها و رانت خواران، خود را موظف به دادن مالیات نمی بینند. مجلس رژیم در هفته پیش طرحی را به تصویب رساند که سپاه پاسداران، بسیج و نهادهای مرتبط به بیت خامنه ای موظف به پرداخت مالیات شوند. البته این طرح فقط مصوبه مجلس است و هیچ قدرت اجرایی ندارد.

چشمداشت به مالیات لایه متوسط جامعه و مزدبگیران برای رویارویی با بحران اقتصادی با طرح اقتصاد مقاومتی خامنه ای کلید خورده است. مزدبگیران بیشترین صدمه را از بابت پایین آمدن قیمت نفت خواهند دید. حسن روحانی کاهش بهای نفت را یک توطئه برنامه ریزی شده علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد. در زمان احمدی نژاد قیمت نفت بیش از ۲ برابر قیمت فعلی بود و با این وجود وضع مردم بهبود پیدا نکرد. فقط اختلاس و دزدی در بالائیها بیشتر شد. تصور کنید که در این شرایط هم بهای نفت سقوط کرده و هم باندهای درون ولایت در دزدی و چنگ اندازی بر درآمد حاصل از نفت رقابت بیشتر می کنند. بر این منظر وضعیت معاشی مزدبگیران و لایه متوسط جامعه وخامت بیشتر پیدا خواهد کرد و با تاکید باید گفت که مسبب اصلی این وضع رژیم ولایت فقیه است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

تقابل دو طبقه متخاصم، در آخرین ماه ۲۰۱۴

لیلا جدیدی

بنا به آخرین گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) که در دسامبر ۲۰۱۴ منتشر شده، در سال جاری و همچنین آنچه در سال ۲۰۱۵ پیش بینی می‌شود، شکاف بین درآمد کارگران و سود سرمایه داران کشورهای صنعتی همچنان عمیق‌تر گشته و این روال تداوم خواهد یافت. در این گزارش آمده است، اگر چه تولیدات افزایش داشته‌اند، اما این سرمایه داران بوده‌اند که به سودهای هنگفت دست یافته‌اند و در مقابل دستمزد کارگران کاهش پیدا کرده است. گزارش مذکور منحنی سهم کارگران از درآمد ملی در ۱۴ سال گذشته را روندی رو به پایین اعلام کرده است.

همچنین در این گزارش ذکر شده است که شمار تقاضای اشتغال و میزان بیکاری بسیار بیشتر از پیش از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ است. در کشورهای صنعتی، در برابر ۲۰۰ میلیون نفر بیکار، نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر نیز در انتظار ورود به بازار کار هستند. پاسخ سرمایه داری به ۶۰۰ میلیون بیکار چه خواهد بود؟

توجه کنیم که این ارقام و آمار از جانب گروه‌های چپ و یا مارکسیست‌ها منتشر نشده که گفته شود بدین وسیله قصد دارند شکست سرمایه داری را به اثبات برسانند و از سوسیالیسم دفاع کنند. منابع این آمارها، حامیان سرمایه داران، مقام‌های رسمی دولتها، مدیران شرکتها و اتحادیه‌های وابسته بدانها هستند.

"نابرابریهای اجتماعی رشد اقتصادی را نیز محدود کرده است"، این مبحثی است که "سازمان توسعه همکاریهای اقتصادی (OECD) در گزارشی که در این زمینه تهیه کرده بدان پرداخته است. در این گزارش آمده است: "کودکان خانواده‌های فقیر فرصتهای کمی برای تحصیلات دارند. آنها به علت نداشتن دسترسی به آموزش و پرورش نمی‌توانند پرسنل ماهری باشند و بنابراین درآمد کمتری دارند. در این صورت قدرت خریدشان کم شده و این خود عامل عدم رشد اقتصادی است."

روشن است که طبقه حاکمه بر این بحران در سیستم موجود واقف است. آنها این را هم می‌دانند که دو گزینه بیشتر در برابرشان نیست؛ یکی از آنها برچیدن سیستم سرمایه داری و کوتاه کردن دست میلیاردرها از دسترنج زحمتکشان است و دیگری، برخورد خونین با اعتراضهایی که از سوی زحمتکشان علیه وضع موجود می‌شود. شواهد امر نشان می‌دهد که طبقه حاکمه گزینه دوم را برگزیده است.

برای کارگران و زحمتکشان روشن است که برای منافع خودشان باید مبارزه کنند. طبقه کارگر که اکثریت جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، نقشی تعیین‌کننده در تمدن بشری دارد. در کسب تمامی دستاوردهای علمی، فن‌آوری و فرهنگی بشریت، این طبقه نقش مهمی بازی کرده است و طبیعی است که برای منافع طبقاتی خود بر می‌خیزد. در ماه گذشته ما شاهد خیزش‌های گوناگونی در سراسر جهان بودیم. زحمتکشان، نظم اجتماعی موجود را زیر سوال بردند؛ نظمی که در انحصار تعداد کوچکی از نخبگان مالی است که به غارت ثروت همگانی جامعه پرداخته‌اند.

ایتالیا اعتراضات زحمتکشان در ۵۰ شهر،

صدها هزار نفر در سراسر ایتالیا در اعتراض به برنامه‌های اقتصادی دولت دست به اعتراضات گسترده‌ای زدند. در یک اعتصاب ۸ ساعته، شبکه‌های حمل‌ونقل و خدمات دولتی از جمله مدارس، بیمارستانها و دفاتر دولتی و بخشهای خصوصی به حالت تعطیل درآمدند. تظاهرات روز جمعه ۲۲ آذر بنا به دعوت اتحادیه‌های کارگری، در بیش از ۵۰ شهر این کشور برگزار شده بود. افزایش حقوق، تعیین دستمزد حداقل و سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش خدمات از مطالبات کارگران و معترضان بود. این تظاهرات در حالی صورت گرفت که "موسسه آمار ملی" از رکود اقتصادی در سه ماهه سوم سال جاری خبر داده است.

اعتراضها علیه سیاستهای ریاضتی دولت "ماتیو رنزی" (حزب دمکرات) و به ویژه علیه قانون جدید کار شکل گرفته



بود. این قانون که اختیار اخراج کارورزان را با شرایط آسان تر به کارفرمایان واگذار می کند، بکلی قوانین حمایت از کارورزان این کشور را حذف کرده است. رنزی در واکنش به این اعتراضات

گفت: "ما دولتی نیستیم که برنامه هایمان را به خاطر تظاهرات تغییر دهیم."

نخست وزیر ایتالیا ضمن اینکه در لفظ حق اعتصاب کارگران و کارکنان دولت را تایید می کرد، در عمل حاضر نشد از اصلاح قوانین ضد کارگری دست کشد و مدعی شد این تغییرات "برای ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی ضروری است". البته او از سوی حامیان سرمایه نیز حمایت شد. "کریستین لاگارد"، دبیر کل صندوق بین المللی پول، گفت: "این قانون بازار کار را تقویت خواهد کرد."

تظاهرات مزبور با فراخوانی از سوی دو اتحادیه از سه اتحادیه بزرگ ایتالیا با شعار "بهیچوجه" و پیام "ما برای چگونه تغییر دادن ایتالیا پیشنهادات صریح و قاطعی داریم"، شکل گرفته بود.

شایان ذکر است که اتحادیه های یاد شده در اصل هدف جذاب کردن محصولات این کشور برای بازار و جذب سرمایه گذاری را در سر دارند تا باز هم از دستمزد کار کارگران برای شمار اندکی از ثروتمندان هزینه شود. هدف این دو اتحادیه نمایش قدرت بسیج و سازماندهی خود به دولت است، آنها بیشتر می خواهند که جدی گرفته شوند. آنها خود در شکل گیری قانون جدید دست داشته اند. این قانون پس از نشست سه جانبه دولت، سه اتحادیه و کارفرمایان اعلام شد که بدان "توافق متقابل" نام نهادند. در همین رابطه گفته می شود تظاهرات روز ۱۲ دسامبر با هدف منحرف کردن خشم کارگران و سمت دادن آنها به سوی موافقت با اقدامات دولت صورت گرفته است؛ امری که آینده مشخص خواهد کرد.



بلژیک نمونه یک مقاومت تمام عیار

هنوز چند روز از تظاهرات ایتالیا نگذشته بود که یک اعتصاب عمومی در سراسر بلژیک نیز سازمان داده شد. معترضان به ریاضتهای اقتصادی حاکم بر بلژیک باعث شدند تا وسایل نقلیه بطور کلی بی حرکت مانده و بسیاری از فروشگاهها و بازارها تعطیل شوند. صدها قطار، اتوبوس و پروازهای هوایی لغو شد و صدها کارخانه تعطیل گردید.

سه اتحادیه بزرگ این کشور به این اعتراضات فراخوان داده بودند. دولت "شارل میشل"، نخست وزیر بلژیک (راست میانه) تصمیم دارد سن بازنشستگی را از ۶۵ سال به ۶۷ سال افزایش و خدمات اجتماعی را کاهش دهد. "بلری لشی"، یک فیلسوف سیاسی و کارگردان مستند ساز پر آوازه که در بلژیک زندگی می کند در این باره در "اوپروسور" می نویسد: "ریاضت اقتصادی سودمند است، اما فقط برای ثروتمندان. ما شاهد شکست این سیاستها در سراسر اروپا هستیم".

وی ادامه می دهد: "تظاهراتی با چنین ابعاد، حمایت جامعه از مالیات بر سرمایه، همبستگی بین اتحادیه ها، جامعه



مدنی، دانشجویان و شهروندان نشان می دهد که بلژیک حاضر نیست سیاست خورده ریاضت اقتصادی را بپذیرد و یک نمونه تمام عیار مقاومت برای تمامی اروپا به نمایش گذاشته است."

بریتانیا، در معرض خطرناکترین وضعیت اقتصادی و اجتماعی

در ماه دسامبر دولت بریتانیا اعلام کرد که بسیاری از خدمات همگانی را حذف خواهد کرد. با این حساب، این کشور به وضعیت دهه ۳۰، یعنی پیش از دولت رفاه بر می گردد.

با حذف نزدیک به ۳۵ درصد از هزینه رفاه اجتماعی، طبقه حاکم بریتانیا برای تهاجمی سهمگین به زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان این کشور آماده می شود. این در حالی است که حتی خانواده هایی که دارای درآمد متوسط بودند، پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ شاهد از دست دادن ۴۰ درصد از درآمدها شده اند. در گزارش اخیر سازمان بین المللی کار آمده است که از میان کشورهای عضو جی ۲۰، کارورزان انگلیسی بیشترین ضربه اقتصادی را پس از یونان متحمل شده اند.

خدمات اجتماعی در کشوری که جامعه به خاطر درآمد و دستمزد ناکافی بدان وابسته است، میلیونها نفر را در معرض فقر بیشتر قرار می دهد. این وضعیت ناآرامیهای اجتماعی را اجتناب ناپذیر می کند. در همین ماه هزاران نفر در لندن علیه بالارفتن اجاره خانه و فشار بانکها جهت تخلیه مسکن خود دست به تظاهراتی وسیع زدند. از زمان بحران مالی در سال ۲۰۰۸، قیمت مسکن در لندن و سراسر بریتانیا در ابعادی باور نکردنی افزایش یافته است. بنا بر یک گزارش آماری از وضعیت مسکن در انگلیس، شهروندان بطور متوسط ۴۰ درصد از درآمد هفتگی خود را صرف مسکن می کنند. در شهر لندن از هر ۳۰ خانوار، یک خانواده در معرض از دست دادن خانه خود است؛ میزانی که بطور روز افزون در حال رشد است. بریتانیا در معرض خطرناکترین وضع اقتصادی قرار گرفته است.

فرانسه، زمینه های پیروزی راست افراطی

در ۷ دسامبر/۱۶ آذر سال جاری، حزب سوسیالیست (PS) در دور اول انتخابات مجلس قانونگذاری در شهرستان "تروای" حذف شد. این شکست تحقیر آمیز بدون واکنش از "فرانسوا اولاند"، رئیس جمهور، "مانوئل والس" نخست وزیر و وزرا و قانونگذاران باقی ماند. بنا به آمارها، خودداری از شرکت در این انتخابات به سطح بی سابقه ۷۵,۳۷ درصد رسید. فقط کمتر از یک چهارم رای دهندگان، ۱۶ هزار نفر از ۶۶ هزار واجد شرایط، به پای صندوقهای رای رفتند.



دولت اولاند در سال جاری قراردادی را با فدراسیون کارفرمایان امضا کرد که قول ۴۰ میلیارد یورو کاهش در بودجه خدمات اجتماعی را به بهانه ایجاد شغل داده است. افزون بر این، میلیاردها دلار نیز کمیسیون اروپا به اتحادیه اروپا خواهد داد که سبب کاهش بودجه این کشور خواهد شد. حذف خدمات در بخش سلامت و خانواده از حمله اثرات این بذل و بخششها خواهد

بود. از همین رو، ناآرامیهای اجتماعی ابعاد وسیع تری خواهد گرفت و تاثیرات آن در انتخابات ۲۰۱۷ آشکار می شود. بی دلیل نیست که از هم اکنون "لومارین لوپن"، رهبر حزب راست افراطی "جبهه ملی فرانسه" برای به دست گیری قدرت شانس خود را آزمایش کرده و تلاش بر بالا بردن آن می کند.

خانم لوپن اکنون یک هدف اصلی دارد و آن تبدیل این جریان فاشیستی به حزبی با آرای بیشتر و آماده حکومت کردن است. برای حزبی که تا چند سال پیش یک نیروی سیاسی منفور تلقی می شد و در بهترین دوران خود حتی نتوانسته است ۲۰ درصد آرا در انتخابات ریاست جمهوری را به دست بیاورد، این یک بلندپروازی است که زمینه ساز آن همان سیاستهایی است که زندگی و معیشت کارورزان جامعه را به خطر انداخته است.

فقر و اعتراض در هنگ کنگ

شهر هنگ کنگ یکی از قطب بندی شده ترین جوامع در جهان است. اقتصاد آن در انحصار مشتکی از میلیاردرها است، در حالی که ۲۰ درصد افراد این جامعه زیر خط مطلق فقر زندگی می کنند و از هیچگونه خدمات اجتماعی برخوردار نیستند. همچنان که دستمزدها سیر نزولی طی می کند، قیمتها، به ویژه هزینه مسکن، بالا می رود و برای گرفتن وام مسکن، نزدیک به ۱۰ سال باید در انتظار ماند. این امر سبب شده که بسیاری چاره ای دیگر بیندیشند و آن زندگی در مکانهایی است که "مسکن قفسی" نام گرفته و تنها گزینه برای مردم فقیر است.

در ۲۹ نوامبر/۸ آذر سال جاری، هزاران معترض هنگ کنگ برای سومین بار در محله "مونگ کوک" دست به اعتراض زدند. این تظاهرات ساعتها به طول کشید. تظاهر کنندگان با پرتاب تخم مرغ به سمت نیروهای سرکوبگر پلیس، به

قصد تصرف محله مونگ کوک پیشروی کردند. انجمن صنفی خبرنگاران هنگ کنگ نیز با شکایت از پلیس به علت رفتار خشونت آمیز علیه خبرنگاران، از برگزاری یک تظاهرات وسیع دیگر علیه خشونت پلیس در روزهای پیش رو خبر داده است.

جامعه ژاپن به انتخابات اعتماد ندارد

حزب حاکم لیبرال دمکرات ژاپن (LDP) در انتخابات روز ۱۴ دسامبر سال جاری بار دیگر برنده شد. اما این انتخابات نشان دهنده تایید سیاست میلیتاریزه کردن کشور و ریاضت اقتصادی از سوی اکثریت جامعه نیست. نزدیک به نیمی از افراد واجد شرایط در این انتخابات شرکت نکردند. شرکت تنها ۵۲ درصد در انتخابات نشانده این امر است که

مخالفت‌های گسترده علیه کل سیستم سیاسی وجود دارد. در سالهای اخیر همچنان که دولت بر کارگران و زحمتکشان فشارهای بی‌شتری وارد آورده، از تمایل کارورزان جامعه نیز به شرکت در انتخابات کاسته شده است. اهداف سیاسی احزاب دیگر در ژاپن در اساس با حزب حاکم تفاوت چندانی ندارند. سیاستهای حزب حاکم در آینده با فشار به کارگران به خشم و اعتراضات ختم خواهد شد.



حزب چپ و رادیکال سیریزا، شانس پیروزی در انتخابات دارد

نگاه‌ها به سوی یونان است. چنانچه "سیریزا"، حزب چپ و رادیکال یونان، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود، یک نمونه پیش روی معترضان به ریاضت اقتصادی قرار خواهد گرفت که اروپا و صندوق بین‌المللی پول را به چالش خواهد کشید.

چنانچه دولت کنونی یونان که از احزاب پیرو ریاضت اقتصادی تشکیل شده در بحران سیاسی کنونی نتواند با رای پارلمان رییس جمهور آینده این کشور را برگزیند، برگزاری یک انتخابات عمومی زودرس ضروری خواهد شد که در آن سیریزا، چپ رادیکال، شانس قابل توجهی برای پیروزی دارد. این حزب قول برچیدن سیاستهای ریاضت اقتصادی را می‌دهد.

در دور اول انتخابات پارلمان یونان، "استاوروس دیماس"، گزینه دولت برای ریاست جمهوری نتوانست به میزان لازم رای پارلمان را به دست آورد. از ۳۰۰ عضو پارلمان، تنها ۱۶۰ نفر به وی رای دادند. کسب دستکم ۲۰۰ رای ضروریست. از این روست که در حال حاضر سرها به سوی سیریزا که از یک سازمان چپ کوچک به محبوبیت عظیم توده‌ای دست یافته، چرخیده است. افزون بر انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا، سیریزا در دو انتخابات سال ۲۰۱۲ نیز جهش چشمگیری داشت. علت اصلی محبوبیت این حزب داشتن مواضع سرسختانه علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی است.

با این حال سیریزا در برابر فشارهای زیادی قرار گرفته است. از یک سو از طرف بخشی از جامعه یونان و از سوی دیگر از جانب اتحادیه اروپا و موسسات مالی که خواستار نرمش در مواضع و "واقع‌گرا" بودن آن هستند. همچنین

اختلافاتی در درون این حزب نیز وجود دارد. برخی از احزاب میانه درون این ائتلاف بزرگ خواستار نرمش در مواضع حزب هستند.

در سوی دیگر جبهه سیاسی یونان نیز "پانا ییوتیس بالکان" که یکی از اعضا کابینه "انتنیس ساماراس"، نخست وزیر یونان است، اعلام کرده که حزب جدیدی به نام "ریزس" به معنی "ریشه" تشکیل داده است. او حزب دست راستی خود را نزدیک به کلیسای ارتدوکس و نظامیان توصیف می کند. بالکان با حزب فاشیست "فجر طلایی" متحد است. برنامه آنها سرکوب مخالفان، کارگران و جوانان یونانی و تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر است. بالکان معتقد است در انتخابات پیش روی، سیریزا برنده ریاست جمهوری نخواهد شد.

یونان از کشورهایی است که از ریاضت اقتصادی بیشترین صدمات را متحمل شده است. ۴۴ درصد یونانیها زیر خط فقر زندگی می کنند و این کشور به وضعیت دهه ۳۰ عقب گرد داشته است.

دولت حاکم امیدوار است که اروپا با نرمش موقتی در تحمیلات ریاضتی خود بر یونان، فرصت را از سیریزا بگیرد.

آمریکا، دست باز پلیس در قتل برای حفظ منافع طبقه حاکم

صدها هزار نفر در سراسر آمریکای شمال علیه خشونت پلیس به خیابانها آمدند و فریاد اعتراض خود را به گوش دستگاه سیاسی و قضایی این کشور و همچنین مردم جهان رسانند.

افزوده بر اینکه همه ساله در آمریکا بیش از ۵۰ هزار نفر به خاطر صدمات و بیماریهای شغلی جان خود را از دست می دهند و علاوه بر مرگ در جنگ برای حفظ منافع طبقه حاکم، در سال گذشته پلیس این کشور بیش از هزار نفر را به قتل رسانده است.

آمارها نشان می دهد که سیاهپوستان جوان ۲۱ برابر دیگران قربانی خشونت پلیس بوده اند. در جاییکه مرتکب به قتل در این کشور به سرعت دستگیر، محاکمه و تنبیه می شود، پلیس از طی کردن این مراحل مصونیت دارد. پلیسهای مرتکب به قتل در "فرگسون" یا "ستاتون ایلند" که قتلهایی عمدی و آشکار بودند، پس از یک ماه تحقیق بدون محاکمه و هیچگونه تنبیهی آزاد شدند. قتل "مایک بران" و "اریک گاردنر" تنها دو نمونه هستند که به خاطر اعتراضات گسترده علیه پلیس، تحقیقاتی نمایشی صورت گرفت. در بیشتر جنایتهایی از این قبیل، حتی تحقیقات نیز صورت نمی گیرد.

اختیار تیراندازی به سوی شهروندان تنها آزادیهایی نیست که پلیس آمریکا از آن برخوردار است. وظیفه اصلی این پلیس حفاظت از مردم و خدمت به آنها نیست، بلکه مراقبت از منافع یک درصد در مقابل چالش ۹۵ درصد جامعه است.

حفاظت پلیس از منافع یک درصد حاکی از تضاد عمیقی در جامعه است که طبقه حاکم نمی تواند مشکلات ناشی از آن را بطور دمکراتیک حل کند. طبقه حاکمه مدافع سرمایه داران بزرگ به پلیس، دادگاه و ارتش متوسل می شود تا منافع خود را حفظ کند.

علاوه بر کشورهای یاد شده، اعتراضها و تقابل دو طبقه ستمگر و ستمکش در ماه گذشته همچنان در مصر ترکیه، السالوادور و ... ادامه داشته است.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

دولت بی تدبیر و نا امید

جعفر پویه

حسن روحانی بر خلاف اسلافش بودجه سال ۹۴ دولت را به موقع به مجلس فرستاد. این رکورد شکنی روحانی اما یک اشکال مختصر داشت؛ زیرا اگر همچون محمود احمدی نژاد کمی صبر و حوصله به خرج می داد و فرصت می خرید، شاید دسته گلی که به آب داده را اندکی کوچک تر می کرد.

بودجه سال آینده دولت که همچون گذشته در کل نفتی است، با نفت بشکه ای ۷۲ دلار بسته شده، این در حالی است که در روزهای گذشته نرخ رسمی نفت ایران به حدود ۵۵ دلار سقوط کرده است. مشکل اما در هم اینجا خلاصه نمی شود، زیرا نفت ایران به دلیل نداشتن مشتری، توسط رژیم به زیر نرخ رسمی فروخته می شود؛ این به معنی آنست که فاصله محاسبات دولت با درآمد نفتی (اگر نرخ در همین نقطه ثابت بماند) چیزی حدود ۲۰ دلار در هر بشکه است. بدتر از این هم آنجایی است که دولت وقتی بودجه را می بست، نرخ نفت چیزی حدود ۸۵ دلار بود. با این حساب کسر بودجه سال آینده از هم اکنون آشکار است و پیامدهای آن یعنی استقراض از بانک مرکزی یا به زبان خودمانی، چاپ اسکناس بی پشتوانه، رشد نقدینگی، تورم، گرانی و بیکاری و ... در راه است.

تکرار گذشته با ویرایش جدید

از بد حادثه، "دولت تدبیر و امید" با بی تدبیری پایورانش می رود تا به ناامیدی سلام کند و غرقه در بحران، اینگونه بگوید که از امنیتیهای با چراغ خاموش خزیده در دولت هم کاری ساخته نیست. این بی سرانجامی را دولت روحانی با عدم مدیریت دو مانع یا بحران اساسی برای خود خریده است؛ اول از همه به گل نشستن مذاکرات اتمی و پدیدار نبودن کورسویی در حل و فصل آن؛ دوم جنگ قیمت نفتی که عربستان آغاز کرده و کاربدستان دولت در مقابل آن فُشل شده و کاری از دستشان بر نیامد.

تعیین تکلیف با هر کدام از این دو بحران می توانست روزنه بازی برای تنفس حداقل دولت را امکان پذیر کند. اما اینگونه نشد و با همه یاهه گوییها و بوق کرنای تبلیغاتی، در هیچکدام توفیق حاصل نکرد. به همین دلیل سیر نزولی ارزش پول ملی بار دیگر آغاز شد و حرکات عجیب و غریب باندهای درونی رژیم برای روبانندن این دیوار خرابه بحران بر روی دیگری، از همیشه بیشتر شد.

دولت روحانی برخلاف همه قول و قرارهای و حرافیهایش، در بودجه سال آینده نرخ ارز را دوپست تومان افزایش داد و به ۲۸۵۰ رساند. این دور خیز دولت برای جبران کسر درآمد از محل فروش ارز، فاجعه آفرید و بازاری که بعد از عدم توافق قول داده شده اتمی بحرانی بود را بحرانی تر کرد. روند نزولی بورس که در کنترل نهادهای نظامی - امنیتی و کارچاق کنه‌های رژیم است، شدت گرفت، ارزش دلار از ۳۵۰۰ تومان عبور کرد و آنچه در دولت احمدی نژاد کار نابخردانه عده ای نادان به نظر می رسید، بار دیگر تکرار شد. این اتفاق ثابت کرد که آنچه در دولت احمدی نژاد با انتقادهای تند انجام می گرفت، کاری عده ای بی عقل و نادان نبود و این کلیت رژیم ولایت فقیه است که با نپذیرفتن بار مسوولیت جنایات اقتصادی اش مشکل را به گردن یک یا چند نفر می اندازد تا خود را از تیررس انتقادهای تند مردم دور نگه دارد که این روزها موفقیت در این کار بسیار بعید به نظر می رسد.

اما باید دید که دو اتفاق یعنی به نتیجه نرسیدن مذاکرات و جنگ قیمت نفت چه تاثیری در روابط بین باندهای رژیم گذاشته و عملکرد آن در اقتصاد کشور چگونه بوده است. برای بهتر دیدن این اتفاق باید دقت کرد که با همه جنگ زرگری و کش و قوسهای باندهای داخلی، آنها در انتظار چه معجزه ای بودند؟ آیا آنچه می خواستند به آن دست یافتند یا تیرشان به سنگ خورده و اکنون مفلس و منکوب سعی دارند یکی را مقصر وضعیت موجود اعلام کنند؟

با تمام عکسهای تبلیغاتی که ظریف با جان کری و خانم اشتون انداخت، با همه داد و بیدادهای و ظاهر سازیها مبنی بر اینکه در پشت درهای بسته توافقی در حالا انجام است، اکنون می شود گفت که همان روند حقوقی یعنی قول و قرارهایی کاغذی که به قول احمدی نژاد و پایوران رژیم "کاغذ پاره ای" بیش نیست و بی ارزش است نیز حاصل نشد.

هرچند بسیاری از بوقهای تبلیغاتی گلو پاره کردند که اوباما برای موفق نشان دادن دولت اش نیاز به این توافق دارد، اما آنها نگفتند که دولت اوباما و یا در یک کلام حزب دموکرات آمریکا هرگز توافقی بد که ننگ بزرگ تاریخی ای را برای آنان به بار خواهد آورد را نخواهند پذیرفت و تن به توافقی ضعیف که رژیم ملایان را از موقعیت کنونی برکشد را نخواهد داد. به همین دلیل هرچند آمریکا گوشه چشمی به رژیم نشان داد و سیاستمدارانش تلاش کردند که به جوجه بفهمانند که گربه لولو است، اما اتفاقات منطقه و برآمد داعش این توهم را برای رژیم به وجود آورد که بار دیگر در رحمت به رویش باز شده و می تواند از این نمد کلاهی برای خود دست و پا کند. این است که تبلیغات پر سر و صدا، طبلی شد میان تهی و از آن چیزی بیرون نیامد که نیاز رژیم ولایت فقیه را بر طرف کند. ناگفته نماند که به علت توافق طرفین بر سر محرمانه ماندن توافق تا کنونی مشخص نیست که رژیم تا کجا عقب نشسته است و در پشت درهای بسته چه گذشته است. اما هرچه هست هر دو طرف در یک حالت صبر و انتظار قرار دارند. رژیم ملایان به امید فرجی تا ستونی دیگر و آمریکا در انتظار عملکرد بیشتر جنگ قیمت نفت که بر تحریمها افزوده شده و هم اکنون نیز اقتصاد کشور را در حالت فلج قرار داده است.

آثار داخلی بن بست خارجی

این شکست دو طرفه، بحران داخلی رژیم را دامن زده و از صدر تا ذیل آن را در نور دیده است. کار به جایی رسید که حسن روحانی رودرباستی را کار گذاشته و بی پرده در روز دوشنبه (۱۷ آذر) در همایش ملی "ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد" گفت: "اگر اطلاعات، تفنگ، پول، سرمایه، سایت، روزنامه و خبرگزاری را همه یکجا جمع کنیم، ابوذر و سلمان هم فاسد می شوند."

دادن نشانی سر راست سپاه پاسداران توسط روحانی به عنوان مظهر فساد در کشور در حالی صورت گرفته که فرمانده سپاه پاسداران، عزیز جعفری، در حاشیه همایش فرماندهان قرارگاه خاتم الانبیا ضمن اشاره به سخنان روحانی گفت: "منظور رییس جمهور سپاه نبوده و رابطه رییس جمهور با سپاه بسیار خوب است."

عزیز جعفری نگفت که بجز سپاه کدام ارگان نظامی دیگر در رژیم وجود دارد که مشخصاتی که روحانی بیان کرد را دارا باشد. این انشاء الله که گربه است جعفری از شدت بحران داخلی رژیم نمی کاهد و نمی تواند خاکروبه ای به این بزرگی را به زیر قالی جارو کند. کشاکش سپاه و دولت نه تنها بر سر منافع مالی ای است که سپاه در حساب خود دارد، بلکه سهم این ارگان نظامی از قدرت سیاسی چیزی نیست که فرماندهان تشنه قدرت از آن صرف نظر کنند. اگر روزی رفسنجانی هشدار می داد که "سپاه به کمتر از کل کشور راضی نیست"، امروز دولت روحانی در چنبره قدرت فزاینده این نهاد نظامی - امنیتی که روز بروز فربه تر می شود، گرفتار آمده است.

دولت روحانی که مدتهاست زیر ضرب توپخانه تبلیغاتی سپاه قرار دارد، انگهای مختلف فساد اقتصادی می خورد. "خبرگزاری فارس" وابسته به سپاه پاسداران، از قول سردار نقدی، فرمانده بسیج، نوشت: "یکی از مشکلات عمده دیگر مساله رفاقتها و نسبتها چه از نوع رفاقتها فامیلی و چه نسبتهای حزبی و تشکیلاتی است که بین برخی از مسوولان یا مرتکبان مفاسد اقتصادی وجود دارد."

همچنین محمد حسن آصفری، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس آخوندها می گوید: "گروهی از مسوولین متاسفانه با سوواستفاده از موقعیت خود، با پارتی بازی، اختلاس و استفاده از اطلاعات محرمانه اقتصادی به ثروت بالایی دست پیدا کردند که باید با مجازات تعیین شده در قانون با آنها برخورد کرد."

از سوی دیگر اکبر ترکان، معاون پیشین وزیر نفت و مشاور روحانی نیز پیش از تشکیل دولت روحانی گفته بود: "فساد تا خرخره دولت را گرفته و به تمام ارکان جمهوری اسلامی رخنه کرده است."

مؤید حسینی صدر، نماینده مجلس در گفت و گو با "خبرگزاری ایلنا" می گوید: "شخصی در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد از این موضوع سوواستفاده کرده و ۴۰۰ میلیون دلار پول گرفته تا قطعات هواپیما وارد کشور کند، اما هیچ قطعه ای به کشور وارد نکرده است."

۱۴ نماینده مجلس در ۲۹ مهرماه در نامه ای به رییس مجلس ملاها خواستند که وضعیت یک دکل نفتی گم شده پیگیری شود. به گفته آنها این دکل نفتی در سال ۱۳۹۰ به قیمت ۸۷ میلیون دلار توسط یک شرکت ترکیه ای به شرکت زیرمجموعه وزارت نفت فروخته شده، اما هنوز تحویل این شرکت نشده است.

به این سیاهه بلند بالا از این دست غارتگری و دزدیهای پایوران رژیم که این روزها پی در پی به روی پرده کشیده می شود اضافه کنید اختلاسهایی با ارقام نجومی از سیستم بانکی کشور را؛ به همین دلیل روحانی به پیشانی سپاه شلیک می کند تا در این تصفیه حسابهای جناحی، سردسته گردنه بگیریان بی نصیب نماند.

اما از همه جالب تر برای ماستمالی کردن این آمار و ارقام که گاه سر به فلک می زند، قاضی القضاات رژیم که برگمارده رهبر و ولی فقیه رژیم نیز هست، به میدان می گذارد و سعی به میانداری می کند، خط و نشان می کشد و پس از یک دوره گرد و خاک بپا کردن، به محاق می رود. از بد حادثه او عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی است که به فرمان خامنه ای تشکیل شده است. این ستاد که با حضور سران سه قوه رژیم شکل گرفته، فُشَل ترین نهادی است که تا کنون رژیم ولایت فقیه به خود دیده است. فراتر از آن، احمد توکلی، نماینده و رییس پیشین مرکز پژوهشهای مجلس آخوندی می گوید: "نهادهای مسوول مبارزه با فساد خودشان به درجاتی از فساد مبتلا هستند ... نهادهایی مانند قوه قضاییه، نیروی انتظامی، مجلس و سازمان بازرسی کل کشور عهده دار مبارزه با فساد شده اند، اما خودشان پاک پاک نیستند."

عزت الله یوسفیان ملا، عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی درباره به نتیجه نرسیدن فعالیت آن می گوید: "به دلیل عدم وجود آمار درست و دقیق، عدم وجود ضمانت اجرا و ذی نفع بودن برخی از مسوولان در دولت، مجلس و برخی از دستگاههای دیگر، این ستاد نتوانسته عملکرد خوبی داشته باشد."

فرشاد مومنی، اقتصاد دان رژیم، آب پاکی را روی دست همه می ریزد و می گوید: "گویی نظام تصمیم گیری کشور هم عملا تن داده به وضعیت مشوق رانت و ربا و فساد و علیه تولید آرایش پیدا کرده است."

دهان باز سپاه

حال بهتر می شود گرد و خاک بپا شده در درگیری ذینفعها در شعار مبارزه با فساد اقتصادی و رانت خواری حسن روحانی را دید. زیرا دولت به علت کسر بودجه و ناتوانی از درآمد ارزی تصمیم گرفته تا از نهادهایی که تا کنون حساب و کتاب پس نمی دادند، مالیات بگیرد. در راس این نهادهای اقتصادی کارتل سپاه قرار دارد. در مرحله بعد نهادهای زیر نظر "رهبر" که تحت نام بنیادهای رنگارنگ به گردنکشی مشغولند مانند بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس رضوی با سرمایه هایی بی حساب و کتاب که هیچکس از آن خبر ندارد. حال اگر این نهادها خود پای اصلی رانت خواری و فساد اقتصادی هستند که تحت نامهای مختلفی همچون جهاد اقتصادی، دور زدن تحریم، خودکفایی و به شلتاق مشغولند، چگونه می تواند نهادی دیگر که برکشیده و برگزیده رهبر است، یقه آنان را به نام رانت خواری و فساد بگیرد؟

اگر خود اعضای مجلس آخوندی و وابسته گان قوی سه گانه دست اندرکار غارتند و به انواع فساد آلوده، چگونه می شود که خودشان یقه خودشان را بچسبند و به عنوان مفسد و تبهکار به دست قانون بسپارند. اگر وابستگان قوه قضاییه خود مشغول رانت خوری و فساد اقتصادی اند، کدام نهادی باید مفسدین را محاکمه کند؟

اینجاست که چاقو دسته خود را نمی برد و شعار مبارزه با مفاسد اقتصادی در حد شعار و تصفیه حساب باندهای رژیم باقی می ماند. اما آنچه در این میان به چشم می آید، درگیری باندهای رژیم با یکدیگر است که رخت چرکهای

همریشان شان را در برابر همگان می آویزند. اینکه دولت تا چه اندازه موفق شود از کیسه آنان مالیاتی بستاند تا گره ای از کار فرو مانده خود بگشاید، پُر بعید به نظر می رسد. هرچند شمشیر را از رو بسته و انگشت اشاره را به سوی شان گرفته باشد. زیرا آنان که بیشترین فعالیت اقتصادی را دارند، نهادهای زیر نظر رهبر هستند که از حوزه قدرت و تسلط دولت خارج اند و نظارت ناپذیر محسوب می شوند. از همه بدتر، حال که قیمت نفت همچنان در سراسیمه سقوط ترمز بریده، دهان ارگانهایی همچون سپاه که برای بلعیدن پترو دلارها آماده بود، باز مانده است. نرسیدن به توافق اتمی آنان را از این پول باد آورده محروم کرده و با عصبانیت به پر و پای دولت می پیچیند. پس بی دلیل نیست که سپاه با تمام توان علیه دولت قد علم کرده و همه اسباب و ابزارش تبلیغاتی اش را علیه آن بکار گرفته است. حال که سپاه مشغول چنگ و دندان نشان دادن است و می رود تا افسار پاره کند، علی لاریجانی به میانه میدان دویده و برگ جدیدی رو می کند. او به قرارگاه خاتم الانبیا پیشنهاد می دهد که: "سپاه برای برخی پروژه هایش معادنی که دچار حبس مال شده اند را تحویل بگیرد و به بهره برداری برساند."

اما رشوه دهی لاریجانی به سپاه یک اشکال اساسی دارد و آنهم اینکه طبق قانون اساسی رژیم، معادن و منابع طبیعی جزو مایملک عمومی و ملی است که قابل واگذاری یا انتقال به هیچ فرد یا نهاد خصوصی و غیر خصوصی نیست. منظور لاریجانی از "حبس مال" همین منع قانونی است که آن را خودش چاره جویی می کند و به سپاهیان می گوید: "ما (یعنی مجلس) آماده ایم تسهیلاتی را فراهم کنیم تا واگذاریها هر چه زودتر صورت پذیرد."

با این حساب لاریجانی و بسیاری از نمایندگان مجلس که خود عضو سپاه هستند، دندان تیز کرده اند تا منابع ملی کشور را با کلاه شرعی قانون مجلس به تملک سپاه درآورند. این یعنی فربه تر شدن سپاه، نابودی منابع طبیعی و ملی کشور و تیغ به دست زنگی مست دادن. از سوی دیگر، دولت همان اندک درآمدی که از محل این منابع دارد را از دست می دهد و کارش سخت تر می شود. بی دلیل نیست که عبدالله عبداللهی، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا می گوید: "به دلیل کاهش درآمدهای نفتی این قرارگاه آماده است که بهره برداری گسترده از معادن را در دستور کار قرار دهد، مشروط به اینکه موانع حقوقی واگذاری این معادن به سپاه پاسداران از بین بروند."

سر دسته دزدان و گردنه بگیان سپاه دلیل خود برای خیز برداشتن به سوی منابع طبیعی کشور را "کاهش بهای نفت و فشار تحریمهای خارجی بر صنعت نفت و گاز کشور" دانسته و ادعا کرده "ضروری است به دلیل وابستگی شدید بودجه و هزینه های عمومی کشور به درآمدهای نفتی، هرچه سریع تر درآمدهای جایگزینی برای کشور تهیه کرد". با این حساب اگر دولت روحانی نتواند دهان باز گله های سپاهی که مجهز به انواع سلاحهایی هستند که خودش نام برد و فساد زا نامید را پر کند، کار برایش مشکل تر از آنچه تاکنون بوده خواهد شد.

در انتها

برای دولت روحانی در چشم انداز نیز کور سویی پیدا نیست. جنگ قیمت همچنان نفت را در سرازیر سقوط همراهی می کند و ضرر و زیان ناشی از آن جبران پذیر نیست. راه گریزی نیز در مذاکرات اتمی به چشم نمی آید، زیرا عقب نشینی سریع علی خامنه ای، سقف پوسیده بالای سرش را خواهد رومباند و کار دست اش خواهد داد. چه خواهد شد، معلوم نیست. اما "دولت تدبیر و امید" کشتی اش به گل نشسته و تدبیری ندارد که چاره کار کند، پس در حال حاضر بی امید است.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

چالشهای معلمان در آذر ماه

فرنگیس بایقره

هشدار در پی معلم کشی در مدرسه

ایسنا، ۳ آذر - دو روز پیش محسن خشخاشی، دبیر فیزیک دبیرستان حافظی بروجرد، بر اثر اصابت ضربات چاقوی یکی از دانش آموزان خود جان باخت.

مسوولان آموزش و پرورش استان لرستان در توضیح جزئیات این قتل اعلام کردند این دانش آموز که در مقطع دبیرستان مشغول به تحصیل بوده، غیبتهای متوالی داشته و در درسهایش نیز ضعیف بوده که معلم وی خواستار حضور والدینش به مدرسه می شود. پس از حضور والدین، این دانش آموز به کلاس برمی گردد و معلم از او می خواهد برای موجه کردن غیبتش به دفتر مدرسه مراجعه کند که او با چاقو به جان معلم می افتد و ...

دکتر کورش محمدی، استاد دانشگاه و رییس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران گفت: "باید دید نقش مشاوران در این مدرسه چگونه بوده است. مدرسه باید از وضعیت روحی و روانی و خانوادگی دانش آموزان مطلع باشد. متأسفانه امروز مشاوره یک حلقه مفقوده در آموزش و پرورش است. امروز چند نیروی پرورشی در مدارس داریم و آیا همه آنها مهارت لازم برای برقراری ارتباط با دانش آموزان را دارند؟"

محمدی افزود: "از سویی دیگر شاهد ارتباط معنایی میان خانواده و اولیای مدرسه نیستیم، غیبتهای مکرر این دانش آموز، نوع ارتباطش با هم مدرسه ایها و معلمینش در چارچوب یک نظام تعاملی میان خانواده و مدرسه قابل بررسی است. آموزش و پرورش ما ارتباط ضعیفی با خانواده ها دارد و متولی پرورشی نیست."

بیانیه اعتراضی ۱۷ کانون صنفی معلمان در اعتراض به قتل معلم بروجردی

ایلنا، ۴ آذر - شماری از فرهنگیان و کانونهای صنفی معلمان در اقدامی هماهنگ با صدور بیانیه ای اعتراضی، درگذشت "محسن خشخاشی" را نشانه وجود بحران در آموزش و پرورش دانسته و نسبت به ترویج سیاستهایی که به عادی شدن خشونت در جامعه منجر می شود، هشدار دادند.

در این بیانیه گفته شده: "این حادثه در کنار دیگر مظاهر خشونت که هر روزه به شکلهای مختلف در کشور بروز و ظهور پیدا می کنند معنا می یابد و ضرورت ریشه یابی و بررسی چرایی بروز این رفتارها را از سوی روشنفکران، جامعه شناسان، روان شناسان، آموزش و پرورش و البته مسوولان کشور اجتناب ناپذیر می سازد."

در این بیانیه مرگ محسن خشخاشی نشانی از نابسامانیهای مدیریتی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی نظام آموزش و پرورش و ناامنی که روز به روز بر مدرسه ها و به ویژه مدرسه های دولتی سایه می گستراند، دانسته شده است.

در بخش دیگری از بیانیه مزبور با ابراز نگرانی از عادی شدن درگیریهای خیابانی، قتلهای خانوادگی، تجاوز، فقر، کودکان کار و اسید پاشی بر روی دختران و زنان بی گناه، از پایین آمدن آستانه تحمل مردمان، شکستن حرمت بزرگان و بی حرمت شدن معلمان انتقاد شده و تاکید شده که "امضا کنندگان این بیانیه تنها سوگوار همکار خود نیستند، بلکه همچنین سوگوار گسترش اخلاق، منش و رفتاری هستند که مشخص نیست همگی را به کجا خواهد برد."

(بخش حذف شده بیانیه در ایلنا)

امضا کنندگان بیانیه در پایان، معلمان را به نشان دادن علنی اعتراض خود فراخوانده اند و نوشته اند: "از همه همکاران خود همچنین درخواست می کنیم که در اعتراض به مرگ مظلومانه محسن خشخاشی و در همدردی با خانواده داغ دیده ایشان، در روز شنبه هشتم آذر ماه ۹۳ با پوشیدن لباس سیاه در مدرسه حاضر شوند و در زنگ دوم این روز ضمن حضور در کلاس درس، از تدریس برنامه درسی خودداری نموده و به روشنگری درباره ریشه های این رخداد اندوه بار بپردازند."

این بیانیه به امضای کانون صنفی معلمان دهها شهر رسیده است.

زندگی فلاکت بار معلمان در قطب انرژی کشور

ایرنا، دوشنبه ۳ آذر - معلمان شهرستان عسلویه استان بوشهر می‌گویند: شرایط زندگی در این منطقه که از آن به عنوان قطب انرژی کشور یاد می‌شود، برای آنان فلاکت‌بار و همراه با سختیها و خطرهای زیادی از نظر جسمی و روحی است.

یکی از معلمان غیربومی مدارس شهرستان عسلویه گفت: معلمان در این شهرستان علاوه بر شرایط سخت کار به دلیل دو زبانه بودن دانش‌آموزان که نیروی مضاعفی برای تفهیم مطالب نیاز دارند به دلیل آلودگی هوا به بیماریهای پوستی مبتلا شده‌اند.

افشار رحیمی افزود: هم اکنون ۱۰ تا ۱۲ معلم در عسلویه در یک اتاق ۱۲ متری ساکن هستند و آنان از فرصت مطالعه و استراحت بی بهره‌اند و کسانی که بخواهند مطالعه‌ای داشته باشند باید در فضای باز مطالعه کنند.

یکی از مدیران مدارس عسلویه گفت: بیش از دو سوم معلمان عسلویه غیربومی منطقه هستند به همین دلیل با مشکل مسکن، غذا، ایاب و ذهاب دارند. معلمان با حقوقی که می‌گیرند جوابگوی اجاره منزل در نقاط خوب شهر نیستند و به ناچار در نقاط دور از شهر با فاصله زیاد خانه اجاره می‌کنند.

وی بیان کرد: در خانه‌های قدیمی با سقف چوبی که آنان اجاره می‌کنند ۲۴ نفر در یک منزل دو و یا سه خوابه زندگی می‌کنند و مسوولان هیچ حمایتی از معلمان در زمینه مسکن ندارند.

عضو انجمن صنفی معلمان کردستان روانه زندان شد

خبرگزاری هرانا، ۱۴ آذر - مختار اسدی، عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، عصر روز پنجشنبه جهت گذراندن حکم یکسال حبس خود احضار شد.

این معلم کرد سنندجی در سال ۱۳۸۵ در اعتراض بزرگ نمایندگان کانونهای صنفی معلمان در برابر مجلس توسط پلیس امنیت بازداشت شد و برایش پرونده سازی کردند.

در آذر ماه ۱۳۹۱ آموزش و پرورش استان کردستان حکم تبعید وی را برای پنجمین سال پیاپی تمدید کرده بود که با شکایت نامبرده به دیوان عدالت اداری، این حکم لغو شد.

پس از آن مختار اسدی در سال ۸۹ بعد از دستگیریهای سریالی اعضای کانون صنفی معلمان مانند محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، سیدمحمود باقری و اسماعیل عبدی بازداشت و پس از دادگاهی فرمایشی در بند ۲۰۹ اوین به اسارت کشیده شد.

اسدی پس از ۶۶ روز بازداشت با وثیقه از زندان آزاد شد و قاضی صلواتی در شعبه پانزده دادگاه انقلاب به اتهام تبلیغ علیه نظام برایش حکم یکسال حبس صادر کرد.

اعزام ۷۰ هزار آخوند به مدارس کشور

فارس ۱۶ آذر - مشاور وزیر آموزش و پرورش، مجتبی ملکی ظهر امروز در جلسه ستاد همکاریهای حوزه علمیه و آموزش و پرورش که در باشگاه فرهنگیان برگزار شد، به اجرایی شدن "طرح امین" در مدارس کشور اشاره کرد و گفت: "سال گذشته بیش از ۷۰ هزار نفر روحانی از دستگاه‌های مختلف فرهنگی با هدف رفع شبهات دینی و فعالیتهای تبلیغی به مدارس اعزام شدند."

وی افزود: "علاوه بر حوزه علمیه، از ظرفیت سازمان تبلیغات اسلامی، اوقاف و امور خیریه و نهادهای تبلیغی مردم نهاد، روحانی توانمند به مدارس اعزام می‌شود."

ملکی همچنین تصریح کرد: "در سال ۹۱ بیش از ۱۳ میلیون ساعت برای بیش از ۱۵۰ هزار نفر فرهنگی دوره آموزشی اخلاق دینی برگزار شد."

نامه یک معلم بازنشسته

حقوق معلم و کارگر، ۱۸ آذر - سلام، من یک معلم هستم و بعد از سی و دو سال خدمت آموزشی در مدارس حکم بازنشستگی خود را گرفتم و متوجه شدم رتبه عالی خود را که در اثر سعی و تلاش به دست آورده ام، در حکم جدید از دست داده ام و حقوقم حدود سیصد هزار تومان کم شده است، در حالی که قیمت نان سی در صد گران شده است. این مزد سعی و تلاش یک معلم خسته و مریض است؟ من سرطان هم دارم. در حالی که دایم از حقوق ملتهای تحت ستم سخن می رانیم، خود با ملت مان این گونه رفتار می کنیم! واقعا انسان می ماند که چه چیز را باور کند، دم خروس را یا قسم حضرت عباس را؟! بازنشسته مقطع متوسطه دوم، منطقه پنج تهران

درخواست رویت پرونده رسول بداقی و سید محمود باقری

حقوق معلم و کارگر، ۲۸ آذر - در راستای نگرانی اعضای شورای هماهنگی کانونهای صنفی معلمان سراسر کشور نسبت به ادامه حبس غیرقانونی رسول بداقی در زندان رجایی شهر و سید محمود باقری در زندان اوین، پیمان حاج محمود عطار، وکیل کانون صنفی معلمان، برای بازدید پرونده این دو جهت زمینه سازی برای فرستادن تقاضای جمع و اعاده دادرسی، نامه ای به دادستان تهران نوشته است. در این نامه پیمان عطار از جعفری دولت آبادی تقاضا کرد تا پرونده هر دو عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان را جهت یادداشت برداری ببیند. با محاسبات طول دوران محکومیت، پیمان عطار، رسول بداقی و سید محمود باقری هر دو باید آزاد شوند و نگاه داشتن آنها در زندان خلاف قانون است.

تبعیض بین کارمندان دولت و فرهنگیان در پرداخت فوق العاده شغل

ایلنا، ۲۹ آذر - عضو کانون فرهنگیان شیراز از اعمال تبعیض بین کارمندان دولت و فرهنگیان در پرداخت فوق العاده شغل خبر داد.

محمدتقی سبزواری با اشاره به انتشار متن دو بخشنامه توسط هیات وزیران و آموزش و پرورش بر روی فضای مجازی گفت: "میزان فوق العاده شغل کارمندان دولت در مصوبه هیات وزیران در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۷۰۰، ۱۵۰۰ و ۲۰۰۰ تعیین شده، ولی این اعداد در احکام کارگزینی فرهنگیان به ۵۰۰ و ۸۰۰ کاهش پیدا کرده است."

او افزود: "در حال حاضر میزان امتیاز فوق العاده شغل فرهنگیان در احکام کارگزینی با مدرک کارشناسی ارشد برابر با ۸۰۰ است. این در حالی است که امتیاز فوق العاده شغل کارمندان دولت بر اساس مصوبه هیات وزیران با مدرک کارشناسی ۱۵۰۰ و با مدرک کارشناسی ارشد ۲۰۰۰ است."

این فعال صنفی معلمان تصریح کرد: "آموزش و پرورش باید قانونی را که توسط هیات وزیران تصویب شده، اجرا کند و از اجرای مصوبات تخلف نکند. اگر این قانون ضمانت اجرایی ندارد، وزارت آموزش و پرورش باید هیات دولت را متوجه کند تا انگ بی خبری و بی برنامهگی به دولت نچسبد. دادن این اطلاعات به هیات دولت نیاز به یک دستگاه عریض و طویل مانند برنامه و بودجه ندارد. با یک کار محاسباتی ساده و حساب سرانگشتی می توان حدود حقوق دریافتی را تعیین کرد."

اخبار کارورزان سلامت

امید برهانی

عزایی که گریه مرده شور را هم درآورد

تعرفه های پزشکی چقدر افزایش یابد تا پاسخگوی ولع زیرمیزی بگیران باشد؟ طرح تحول نظام سلامت آنقدر نامنصفانه، طبقاتی و در تضاد با منافع کارورزان و کارکنان بدنه سیستم بهداشت و درمان کشور است که داد بسیج دانشجویی را هم درآورده است. به گزارش "جهان"، بسیج دانشجویی ۱۵ دانشگاه علوم پزشکی کشور با صدور بیانیه ای، ۸ سوال کلیدی خود درباره گام سوم طرح تحول نظام سلامت را از متولیان نظام سلامت، مطرح کرده است.

اینکه بسیج ضد دانشجویی که خود در اساس لشکر چماق به دست و مواجب بگیر ولی فقیه در دانشگاهها بوده و مثل دیگر نهادهای ضد مردمی رژیم بجز راههای غیر قانونی و ناشفاف کسب درآمد، هر سال مشمول افزایش بودجه دولتی از جیب مردم می شود، چرا به صرافت سینه چاکی و سینه زنی برای سلامت مردم افتاده، مساله ای است که جای تامل دارد. شاید منظور این نهاد ضد دانشگاهی از احساس مسوولیت و مشارکت اجتماعی، ورود به حوزه اقتصاد درمان و بردن سهمی از سهام سلامت به خانه ی خود است.

در بیانیه مزبور از دستگاه دولت پرسیده شده: "چرا بازبینی ارزش نسبی تعرفه ها منجر به افزایش تقریباً همه تعرفه ها شده است؟ آیا در پی ابلاغ کتاب جدید ارزشهای نسبی و افزایش حدود ۲,۵ برابری تعرفه خدمات پزشکی، پرداخت هزینه ها جز از جیب مردم صورت خواهد گرفت؟ برنامه دولت و وزارت بهداشت به عنوان متولی حوزه سلامت برای تامین منابع مالی پایدار سلامت در سالهای آتی بدون وارد آمدن فشار به مردم چیست؟ آیا طرح به اصطلاح تعدیل تعرفه ها جز پر کردن جیب قشر خاصی از پزشکان متخصص، عایدی برای سایر ارائه دهندگان خدمت و به تبع آن افزایش کیفیت خدمت رسانی داشته است؟ برنامه دولت جهت یکسان سازی تعرفه (حق الزحمه پزشکان) در بخش دولتی و خصوصی بر مبنای اصول اقتصاد سلامت چیست؟"

وقوع درگیری در یکی از بیمارستانهای تهران

سلامت نیوز، ۱ دی - تنها شش روز از وقوع درگیری و نزاع دسته جمعی در بیمارستانهای فاطمی و سبلان اردبیل می گذشت که این بار خبر درگیری دیگری در یکی از بیمارستانهای خصوصی تهران روی خروجی رسانه ها قرار گرفت.. ساعت ۱۱ صبح روز ۲۷ آبان ماه از طریق تماس با مرکز فوریتهای پلیسی ۱۱۰ وقوع درگیری در یکی از بیمارستانهای خصوصی منطقه یوسف آباد به پلیس اطلاع داده شد که در جریان آن واحد گشت کلانتری ۱۲۵ برای بررسی موضوع وارد عمل شد. با حضور ماموران در بیمارستان مشخص شد که پنج تن از بستگان یکی از بیماران پس از ایجاد درگیری و زد و خورد با ماموران حراست، در اتاق ریاست تجمع کرده و تا قبل از حضور عوامل پلیس از محل متواری شدند.

در تحقیقات بعدی، پنج نفری که اقدام به درگیری با ماموران حراست کرده بودند، شناسایی و به سرعت دستگیر شدند. به گفته رییس کلانتری ۱۲۵ یوسف آباد، متهمان در بازجوییها اختلاف مالی بر سر هزینه های بیمارستان را علت وقوع درگیری عنوان کرده اند.

نامه جمعی از پرستاران اصفهان به صدا و سیما

خانه پرستار، ۱۲ آذر - به استحضار می رساند در پی پخش برنامه "تا ثریا" که با حضور کارشناس محترم جناب آقای شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار و عضو شورای عالی نظام پرستاری و دکتر پزشکیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، مبنی بر اجحاف حقوق گروه پرستاری و سایر گروههای پیراپزشکی توسط جامعه حداقلی پزشکان متخصص که از شبکه یک سیما پخش شد، ریاست سازمان نظام پزشکی، جناب آقای زالی به این

بیانات معترض شده و با مظلوم نمایی به دور از واقعیت و با لحنی تحکم آمیز خواستار عذر خواهی دست اندرکاران برنامه "تا ثریا" شده اند.

لذا جمعی از پرستاران امضا کننده، ضمن اعلام حمایت قاطع از تهیه کنندگان برنامه اجتماعی تا ثریا، از جنابعالی تقاضا دارد تدبیری اتخاذ فرمایید تا این گونه برنامه های آگاهی بخش برای احقاق حقوق مردم شریف ایران و در نظر گرفتن نقش اساسی پرستاران و سایر حرف وابسته اعضا تیم سلامت ادامه یابد.

امید است با پرده برداری واقع بینانه از اوضاع نابسامان و آشفته برنامه های وزارت بهداشت، راه برای اجرای عدالت در ارایه خدمات سلامتی هموار گردد

جمعی از پرستاران بیمارستانهای اصفهان

پزشکان عمومی در طرح تحول سلامت نادیده گرفته شده اند

خبرگزاری فارس، ۱۶ آذر - رییس شورای هماهنگی انجمنهای پزشکان عمومی گفت: "در دستورالعمل جدید وزارت بهداشت که به عنوان برنامه تامین مراقبتهای اولیه مطرح شده، معلوم نیست به چه دلیل نقش محوری پزشکان عمومی را نادیده گرفته و به کارشناسان واگذار کرده اند."

مهران قسمتی زاده در مجمع عمومی انجمن پزشکان عمومی افزود: "با توجه به محدودیت سرمایه انسانی و اعتبارات مالی بخش سلامت، در وهله نخست باید پزشک عمومی که اشراف بیشتری به بیماریها و جمعیت تحت پوشش خود دارد، بیماران را ویزیت کند و خدمات سلامت را که مسلماً از خدمات سطوح بالاتر ارزان تر و در دسترس تر است، عرضه کند و سپس در صورتی که نیاز دانست، خدماتش با خدمات سطوح بالاتر تکمیل شود؛ نه اینکه دوباره همان خدمات سطح اول، در سطح دوم تکرار شود یا خدماتی که در سطح اول می تواند به راحتی عرضه شود، با قیمت بالاتر در سطوح بعدی دریافت شود."

وی افزود: "نادیده گرفتن تعداد زیادی از پزشکان عمومی که بیشترین ارتباط را با مردم منطقه و از قضا فعال ترین مطبها را در شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر نسبت به سایر نقاط کشور دارند، نه تنها بی توجهی به نقش پزشکان عمومی در عرضه خدمات سلامت است، بلکه سبب می شود از امکان بالقوه تاثیرگذاری آنان برای پیشبرد طرحهای نظام سلامت استفاده نشود و در عمل پزشکان آموزش دیده و باتجربه از چرخه عرضه خدمات سلامت خارج شوند."

اندر حکایت عاقبت نقادی و اعتراض در دولت تدبیر و امید و جریان آزاد رسانه ای

۱۸ آذر، یک وبلاگ نویس و فعال شبکه ای - چند روز پیش داشتم به سخنان آقای رییس جمهور در جمع مردم گلستان و نیز در میان دانشجویان گوش می دادم، حرفهایی بسیار شیرین و زیبا که از زبان یک سیاستمدار کهنه کار بیرون می آمد. از دانشجویان می خواستند که از دولت انتقاد کنند و به آنها می گفتند که دیوار دولت کوتاه است! اما اینجا به دانشجویان عزیز عرض می نمایم که اگر ذهنیت انتقاد بدون هزینه را دارید، هرگز از دولت انتقاد نکنید که این انتقاد به هیچ وجه بدون هزینه نخواهد بود. اینجا به دانشجویان عزیز عرض می کنم که ما سند زنده ای داریم از محمد شریفی مقدم، مردی که پا در نشیب پیری گذاشته و با ۲۸ سال تلاش و کوشش صادقانه و با کلی آبرو، به خاطر اعتراض به برخی از سیاستهای دولت یازدهم امروز از تهران به اسلامشهر تبعید شده است.

هیچ روزنامه اصلاح طلبی به این موضوع نپرداخته است! آرمان روابط عمومی که انگار جانش درآمده بود که بنویسد فعال صنفی تبعید شد. ابتکار، شرق، روزنامه ایران و ... تمامی سایتهای شبه دولتی ... آره دوستان عزیز ته خط اصلاح طلبی و عمق شعار زنده باد مخالف من همین بود، چیزی کمتر از رطوبتی بر سر انگشتان! خودشان وارد سانسور شدند تا بدانیم که جریان آزاد ارتباطات و ... اینها همه و همه یک تعارف و یک بازی برای ماندن در قدرت سیاسی این مرز و بوم است و نه یک باور؟

همه سکوت کردند، همه روزنامه های اصلاح طلب و همه نمایندگان آزادی؟ همه آنانکه در وایبر و ... دوستان و فعالان سیاسی خود را حمایت می کردند، لام تا کام زبان در نیام کشیدند و خفه شدند و هیچ صدایی از آنان در نیامد تا مردم بفهمند اصلاح طلبی فقط در دایره منفعت شخصی این حضرات تعریف شده است.

تجمع پرستاران مقابل ساختمان ریاست جمهوری

ایلنا، ۲۳ آذر - صبح امروز جمعی از پرستاران بیمارستانهای دولتی و خصوصی که تعدادشان دستکم ۷۰۰ نفر برآورد می شد، در اعتراض به اختلاف درآمد پرستاران و پزشکان و همچنین تعلل دولت در تعرفه گذاری خدمات پرستاری، مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.

پرستاران که برای شرکت در این تجمع اعتراضی از استانهایی چون تهران، اصفهان، مازندران و گیلان خود را به مقابل ساختمان ریاست جمهوری رسانده بودند، اظهار داشتند که پرستاران بیشتری عازم این تجمع بوده اند اما بسیاری از آنان پس از تماس یکی از نهادهای دولتی با بیمارستانهای محل خدمت شان، از شرکت در این اعتراض منصرف شده اند.

پرستاران در تجمع امروز علاوه بر طرح مطالبه اصلی و قدیمی شان در ارتباط با اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، خواستار توجه به کمبود نیروی پرستاری در بیمارستانها و بخشهای مختلف کادر پرستاری شدند.

عمده ترین شعارهایی که در پارچه نوشته های معترضان به چشم می خورد شامل "ما ۹۳ درصد هستیم"، "وال استریت واقعی در نظام سلامت ایران، ۵ درصد تیم درمان، ۹۵ درصد درآمد را می برند"، "ما به بی عدالتی اعتراض داریم"، "بی توجهی مسوولان، افزایش مهاجرت پرستاران" و ... بود.

وزیر بهداشت تجمع پرستاران را به مسخره گرفت

خبرگزاری فارس، ۲۳ آذر - وزیر بهداشت در حاشیه اجلاس رووسا و معاونان دانشگاههای علوم پزشکی در واکنش نسبت به تجمع پرستاران گفت: "۱۰۰ نفری که جمع شدند که پرستار نمی شود!" وی افزود: "پرستاران سالهاست که با پزشکان کار می کنند و نباید آنها را بیجا تحریک کرد. خودشان باور دارند که مشکل شان در حال حل شدن است، مدعی نیستیم رضایت همه را جلب کرده ایم، اما هیچکس نباید خود را نماینده مجموعه و قشری بداند."

سخنان هاشمی، وزیر بهداشت در حالی مطرح می شود که برابر گزارش خبرگزاری "ایلنا" تعداد تجمع کنندگان دست کم ۷۰۰ نفر اعلام شده است.

تشکیل کمیته حکمیت ۶ نفره در نهاد ریاست جمهوری

خبرگزاری آنا، ۲۴ آذر - محمد شریفی مقدم با یادآوری برگزاری تجمع چند صد نفری پرستاران معترض نسبت به اختلاف دریافتی بین پزشکان و پرستاران در مقابل ساختمان ریاست جمهوری اظهار کرد: "با دفتر نهاد ریاست جمهوری جلسه ای برگزار کردیم که در نهایت کمیته ای ۶ نفره تشکیل و این کمیته مسوول پیگیری مطالبات پرستاران و اعلام مواضع بین نهاد ریاست جمهوری و پرستاران است و تا رسیدن به این هدف، پرستاران مطالبات خود را پیگیری می کنند."

نماینده پرستاران تاکید کرد: "به رغم اینکه وزیر بهداشت ادعای گوش شنوا دارد، اما هنوز صدای پرستاران را نشنیده است."

تجمع اعتراضی پرستاران مقابل دانشگاه علوم پزشکی مشهد

خبرگزاری دانشجویان، ۲۳ آذر - تجمع پرستاران در اعتراض به دیده نشدن حق و حقوق آنان در طرح تحول نظام سلامت امروز در مقابل ساختمان قریشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با حضور بیش از ۱۰۰ پرستار برگزار شد. این پرستاران با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "ما خواستار برقراری عدالت در پرداخت هستیم"، "اگر پرستار نباشد تامین سلامت بیمار بسیار دشوار است"، از مسوولان دانشگاه و وزارت بهداشت و درمان خواستند تا وضعیت حقوقی پرستاران را سامان دهند.

در این تجمع، یکی از پرستاران معترض با بیان این نکته که این تجمع همزمان با تجمع صورت گرفته در تهران اجرا می شود، تصریح کرد: "اعتراض ما به نحوه تعرفه گذاری نامناسب انجام شده در بخش پرستاری است." پرستاران در بیانیه ای ضمن اعتراض به بی عدالتیهای وزارت بهداشت و درمان، مراتب همراهی و حمایت خود را از همکارانشان در تجمع امروز بیان کرده و خواسته های خود را به این ترتیب اعلام داشتند:

۱- ما خواستار اجرای بی قید و شرط قانون تعرفه گذاری پرستاری با تعیین ضریب عملکرد عادلانه در حد عرف جهانی هستیم

۲- ما خواستار اجرای عدالت در پرداختها هستیم، به طوری که حداکثر اختلاف پرداخت بین تیم درمان سه برابر باشد
۳- ما خواستار توقف فوری واریزیهای شگفت آور مرحله سوم طرح تحول نظام سلامت هستیم و معتقدیم اگر این شکاف چند صدبرابری اصلاح نشود، آسیب جبران ناپذیری به اقتصاد مردم، بیماران و کارکنان تیم سلامت وارد خواهد کرد و اگر اجرایی شود، دیگر آب رفته به جوی باز نخواهد گشت.

۴- ما هر گونه تهدید، تنبیه و تبعید پرستاران و هر یک از اعضای تیم درمان را که در جهت پیگیری حقوق صنفی باشد، محکوم می کنیم

۵- روز پرستار روز میعاد بعدی ماست. ما به دوستان تا روز پرستار مهلت می دهیم تا خواسته های به حق پرستاران را جامع عمل بپوشانند و این همان فرصت دو ماهه مورد نظر وزارت است. بدیهی است راهکارهای قانونی دیگری نیز می تواند در دستور کار قرار گیرد؛ از جمله آن عمل به وظایف در حد قانون. اگر قرار باشد پروسیجرهای مشترک بین پزشک و پرستار را تنها پزشک بگیرد، پس باید خود انجام دهد.

۶- ما از بیانیه مصوب پایانی تجمع همکارانمان در تهران و شهرستانهای دیگر حمایت کرده و اتحاد بیشتر جامعه پرستاران ایران را تا حصول به خواسته هایمان که چیزی جز اجرای عدالت و رعایت حقوق مردم و کارکنان سلامت نیست، خواستاریم.

تجمع پرستاران اصفهانی در اعتراض به عملی نشدن کارانه و عدم کاهش ساعت کاری

ایمنا، ۲۴ آذر - پرستاران اصفهانی با برپایی تجمع، اعتراض خود را نسبت به عملی نشدن کارانه و عدم کاهش ساعت کاری به گوش مسوولان رساندند.

اعتصاب پرستاران اصفهانی همزمان با دیگر کلانشهرهای تبریز، شیراز، مشهد و تهران در اصفهان در حالی انجام شد که به قول وزیر بهداشت تا دو هفته دیگر وضعیت کارانه آنان به صورت کامل مشخص خواهد شد، اما پرستاران اصفهانی به علت عدم تحقق این وعده ها و طولانی شدن زمان اجرای آن به اعتراض برخاستند.

به گفته تعداد زیادی از پرستارانی که در این تجمع حضور داشتند، هدف اصلی آنان از این کار رساندن صدای اعتراض خود به مسوولان بالادستی برای بهبود وضعیت اشتغال آنان است که پس از گذشت ۹ ماه از دادن وعده ها هنوز تحقق نیافته است. در ابتدای سال جاری بود که رییس جمهور وعده افزایش حقوق کارمندان به ویژه پرستاران را مطرح کرد. سختی شغل و عدم اختصاص کارانه به این قشر زحمت کش، اصلی ترین عامل این تجمع به شمار می رود.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۹۷ حرکت اعتراضی

* روز شنبه ۱ آذر، جمعی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی فجر در منطقه ویژه بندر ماهشهر در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات صنفی خود اعتصاب کردند.

به گزارش ایلنا این کارگران از طریق شرکت پیمانکاری «رامپ‌کو» در فازهای یک و دو پتروشیمی فجر در مشاغلی چون جوشکاری، نقاشی، لوله‌گذاری و رانندگی مشغول کارند. اعتصاب کارگران پیمانی پتروشیمی فجر در روز یکشنبه ۲ آذر وارد دومین روز خود شد و صبح روز دوشنبه کارگران به نشانه اثبات حسن نیت خود به اعتصاب شان پس از دو روز پایان دادند و به فعالیت روزانه خود بازگشتند.

* روز شنبه ۱ آذر، جمعی از کارگران کارخانه راک سرامیک شهرضا در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرضا تجمع کردند. به گزارش شهرضانیوز، این کارگران خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. کارخانه راک سرامیک در ۳۰ کیلومتری شهرضا در شهرک صنعتی رازی قرار دارد و به تولید سرامیک در ابعاد مختلف می‌پردازد، این کارخانه با سرمایه‌گذاری مشترک داخلی و خارجی راه اندازی شده است. در این کارخانه حدود ۶۰۰ کارگر مشغول به کار بوده که به تازگی حکم اخراج ۳۰۰ نفر از این کارگران صادر شده است.

* روز دوشنبه ۳ آذر جمعی از کارگران شرکت واحد در اعتراض به خلف وعده کمک هزینه مسکن در مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران در خصوص علت برپایی این تجمع گفتند: در سال ۸۵ هیات مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی به اتفاق کمیته مسکن شهرداری تهران تصویب کرد که از محل درآمد فروش زمینهای مازاد شرکت واحد به کارکنان فاقد مسکن این مجموعه برای خرید مسکن به صورت بلاعوض کمکهای مالی شود.

کارگران تجمع کننده بابت این که در این خصوص از سال گذشته تاکنون دوبار با شخص شهردار و اعضای شوری شهر مکاتبه کرده‌اند، افزودند: آخرین بار در تاریخ ۶ آبان سال جاری نامه ای را با امضاء حدود ۹۵۰ کارگر شرکت واحد برای پیگیری به شهرداری و شورای شهر تهران تحویل دادیم اما تا این لحظه پاسخ قانع کننده ای به ما داده نشده است.

* جمعی از کارگران بازنشسته و شاغل صنایع تهران در روز سه شنبه ۴ آذر در اعتراض به همراهی مجلس و دولت برای جداسازی منابع درمانی کارگران از تامین اجتماعی و واگذاری به دولت، در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. معترضان به ایلنا گفتند؛ سرمایه درمانی تامین اجتماعی از کسر ماهانه سی درصد از حقوق آنان به وجود آمده و دولت که ۹۰ هزار میلیارد تومان به این صندوق بدهکار است حق تغییر مالکیت و مصادره اموال کارگران را ندارد.

* به گزارش فارس، کارگران شهرداری بهبهان در اعتراض به تاخیر چند ماهه در پرداخت حقوق شان، در روز سه شنبه ۴ آذر دست به اعتصاب زدند.

* جمعی از صاحبان مسکن مهر پردیس در اعتراض به اقدام دولت مبنی بر تاخیر در واگذاری مسکن و همچنین دریافت مجدد پول از آنان، روز چهارشنبه ۵ آذر در مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش خبرگزاری مجلس، دولت قرار بود سال گذشته مسکن مهر شهرستان پردیس را به صاحبان آنها تحویل دهد که این موضوع تاکنون با تاخیر مواجه شده و اکنون مسئولان برای تحویل این مسکنها تقاضای دریافت ۱۲ میلیون تومان از افراد کرده‌اند.

*روز شنبه ۸ آذر، دومین تجمع کارگری برای توقف دولتی سازی منابع درمان تأمین اجتماعی در مقابل مجلس انجام گرفت. به گزارش ایلنا، به دنبال این تجمع، هیات رئیسه مجلس رسیدگی به طرح ادغام منابع درمانی سازمان تأمین اجتماعی در سازمان بیمه سلامتی را به صورت موقت از دستور کار خود خارج کرد.

۸

*روز دوشنبه ۱۰ آذر، بیش از ۱۴۰۰ کارگر معادن البرز شرقی به همراه رانندگان اتوبوس این معادن و رانندگان کامیون زغالکش و پیمانکاران جزئی در اعتراض به عدم پرداخت ۷۰ روزه حقوق و مزایای کارگران این معدن در محل کارشان منطقه طرزه، اعتصاب کردند و برای چند ساعت دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارفرما دلیل عدم پرداخت معوقات را کمبود منبع مالی عنوان کرده است.

*روز دوشنبه ۱۰ آذر کارگران اخراجی راک سرامیک در محل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرضا برای دومین بار تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش شهرضا نیوز، عمده مطالبات کارگران بازگشت به کار و پرداخت حقوق آبان ماه است.

کارخانه راک سرامیک واقع در شهرک صنعتی رازی شهرضا با سرمایه گذاری مشترک داخلی و خارجی در زمینه تولید انواع کاشی و سرامیک ساختمانی در اول آذر اقدام به اخراج ۳۰۰ تن از کارگران خود کرده است.

*روز دوشنبه ۱۰ آذر، مردم منطقه کوت عبدالله اهواز با تجمع در مقابل فرمانداری نسبت به نادیده گرفته شدن حقوق مردم ساکن این منطقه از سوی مسئولان دولتی اعتراض کردند. به گزارش هرانا، تجمع کنندگان اهوازی نسبت به میزان بالای بیکاری، فقدان خدمات اولیه شهری در کوت عبدالله، کمبود شدید فضای آموزشی، سومدیریت شهرداری اعتراض کردند.

*روز سه شنبه ۱۱ آذر تعدادی از کارگران اخراجی کارخانه آجر شیل سنندج که سه سال پیش از کار اخراج شده بودند، جهت کسب مطالبات خود، در مقابل استانداری کردستان تجمع نمودند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران مذکور پس از گذشت سه سال از اخراج و اعتراضات و تجمعات متعدد در مقابل ارگانهای دولتی، هنوز مطالبات خود را که شامل چهارده سال سنوات و ۶ ماه حقوق است را به دلیل اعمال نفوذ کارفرما در ارگانهای ذی نفوذ دریافت ننموده و با توجه به رأی و حکم دادگاه که به نفع کارگران نیز صادر شده، کماکان با جوابهای سربالای کارفرما که خودِ استانداری کردستان است مواجه می باشند.

*کارگران معدن زغال سنگ تخت مینودشت در روز سه شنبه ۱۱ آذر در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، حدود ۳۰۰ کارگر این معدن که در دل جنگلهای شهرستان مینو دشت مشغول استخراج زغال سنگ هستند بیش از دو ماه است که حقوق شان همچون سایر ۱۴۰۰ کارگر معادن البرز شرقی به تاخیر افتاده است.

شرکت معادن زغال سنگ البرز شرقی از سه واحد مجزای استخراج بنام معدن «طرزه» با حدود ۸۰۰ کارگر، معدن «تخت» مینودشت با حدود ۳۰۰ کارگر و معدن «رامیان» با حدود ۵۰ کارگر تشکیل شده است. روز دوشنبه ۱۰ آذر کارگران معدن طرزه با مطالبات صنفی مشابه کارگران معدن تخت اقدام به اعتصاب کردند.

*کارگر قراردادی کارخانه «آلومینای جاجم» واقع در استان خراسان شمالی در واکنش به کاهش حقوق و سایر مطالبات صنفی‌شان از شیوه‌ای تازه برای اعلام اعتراض استفاده کردند. به گزارش روز سه شنبه ۱۱ آذر ایلنا، کارگران این کارخانه از صبح روز ۲۷ آبان تا امروز (۱۱ آذر) در واکنش به بی توجهی کارفرمای نسبت به درخواست شان برای بازنگری در محاسبه حقوق و سایر مزایای قانونی، اتوبوسهای سرویس کارخانه را در میانه راه متوقف کرده و بخشی از مسیر رسیدن به سالنهای تولید (مسافت یک کیلومتری) را دسته جمعی راهپیمایی می کنند.

بر اساس این گزارش کارگران، این اعتراض از روز ۸ آذر وارد فاز تازه‌ی شده و کارگران علاوه بر پیاده روی جمعی، خوردن غذای کارخانه را نیز تحریم کردند.

*تعدادی از اعضای کانون بازنشستگان شهر رستم کلا در روز سه شنبه ۱۱ آذر در مقابل فرمانداری بهشهر تجمع و نسبت به بسته شدن دفتر کانون بازنشستگان در شهر خود اعتراض کردند. به گزارش بلاغ، این کانون مسائل مربوط به بازنشستگان رستم کلا از جمله دفترچه های بیمه و ... را پیگیری می کرد اما از ادامه فعالیت این دفتر جلوگیری شد و علت آن هم وجود دفتر کانون بازنشستگان در شهرستان بهشهر است.

*روز چهارشنبه ۱۲ آذر کارگران روزکار خط مونتاژ یک ایران خودرو در اعتراض به بی عدالتی در پرداخت حقوق به مدت ۲ ساعت اعتصاب کرده و خط مونتاژ را تعطیل کردند. به گزارش روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، شرکت ایران خودرو آستن حوادث دیگری است و کارگران قدیمی ایران شرکت که موعده بازنشستگی شان فرا می رسد نگران اصلاح قانون کار و افزایش سن بازنشستگی هستند.

*صبح روز پنج شنبه ۱۳ آذر کارگران بازنشسته نساجی مازندران برای چندمین بار در سال جاری مقابل فرمانداری قائمشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع در واکنش به طولانی شدن زمان وصول مطالبات معوقه شان است. گفته می شود حدود ۳۵۰ کارگر شاغل و ۵۵۰ بازنشسته این واحد تولیدی حدود ۱۵ میلیارد تومان مطالبات معوقه دارند که سهم بازنشسته ها از این میزان حدود ۱۱ میلیارد تومان است.

بر اساس این گزارش، اعتراض صنفی کارگران بازنشسته نساجی مازندران در مقابل ساختمان فرمانداری حوالی ساعت ۱۱ به دلیل غیبت فرماندار به خیابانهای شهر کشیده شد. این کارگران پس طی کردن چند خیابان، مقابل ساختمان دفاتر دو نماینده شهر قائم شهر در مجلس در خیابان تهران قائمشهر اجتماع کردند.

*روز شنبه ۱۵ آذر کارگران کارخانه ورمل، تنها تولید کننده کیسه های خون گیری، به دنبال تعطیلی کارخانه در مقابل درب بسته کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش خبرنگار، مدیر کارخانه تولید کیسه های خون گیری ورمل (راه ملل) اظهار داشت: خط تولید این کارخانه که تنها کارخانه تولید کیسه های خون گیری کشور است، ۱۵ سال پیش راه اندازی شد و تا دو سال پیش در اختیار دولت بود و پس از آن به بخش خصوصی یعنی شرکت ورمل واگذار شد و تا مدتی پیش نیز با دریافت سفارشات داخلی و خارجی به کار خود ادامه می داد. اما از ابتدای سال ۹۳ تاکنون به علت عدم خرید کیسه های خون گیری از سوی سازمان انتقال خون کشور، این کارخانه به تدریج تولید خود را کاهش داد و دیشب آخرین نفسهای خود را کشید و برای همیشه تعطیل شد.

*روز شنبه ۱۵ آذر کارگران راک سرامیک برای بازگشت به کار به کارخانه مراجعه کرده و مقابل این واحد تولیدی تجمع کردند، اما کارفرما آنان را به داخل کارخانه راه نداد.

به گزارش ایلنا، در حالی که ۳۰۰ کارگر کارخانه راک سرامیک از ابتدای آذر ماه سال ۹۳ و در پی پایان قرارداد کارشان اخراج شده بودند، رئیس اداره کار شهرضا از صدور حکم بازگشت به کار این کارگران اخراجی خبر داد.

*کارگران کارخانه صنایع بهداشتی یاس خرمشهر، زیرمجموعه شرکت داروگر، از روز شنبه ۱۵ آذر تا روز دوشنبه ۱۷ آذر در اعتراض به دو سال بلاتکلیفی در مقابل فرمانداری خرمشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، ۵۰ کارگر رسمی و ۳۵ کارگر قراردادی صنایع بهداشتی یاس که دو سال پیش به دلیل تعطیلی کارخانه بیکار شدند همچنان وضعیت شغلی شان نامشخص است و هیچ کس مسئولیتی در قبال کارگران بیکار شده که بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند نمی پذیرد.

کارخانه صنایع بهداشتی یاس تولید کننده گلیسرین، انواع صابونهای جامد و سایر مواد شوینده، زیر مجموعه صنایع بهداشتی داروگر (کف) است.

*شماری از کارگران کارخانه «شیشه آبگینه» قزوین در پی تداوم بی توجهی کارفرما به پرداخت مطالبات شان، صبح روز یکشنبه ۱۶ آذر در مقابل فرمانداری شهرستان البرز و استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در شرایطی که همه مسئولان استانی و شهرستانی از مشکلات کارگران آبگینه با خبر هستند هنوز بی تفاوتی کارفرما در خصوص پرداخت مطالبات مزدی آنها ادامه دارد.

*جمعی از کارگران نگهبانی پستهای برق وزارت نیرو، صبح روز یکشنبه ۱۶ آذر در اعتراض به نامشخص بودن شرایط استخدامی خود در مقابل ساختمان این وزارت خانه واقع در بزرگراه نیایش تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۱۵۰ تن از کارگران نگهبان پستهای برق تهران به نمایندگی از سوی ۷۰۰ کارگری که هم اکنون به عنوان نگهبان در پستهای برق مشغول کارند در این اجتماع صنفی حضور داشتند.

*روز دوشنبه ۱۷ آذر تعدادی از رانندگان کامیون در مقابل اداره حمل و نقل و پایانه مرز بازرگان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، عدم پاسخگویی مدیر مسئول اداره حمل و نقل و پایانه بازرگان به اعتراض کنندگان باعث درگیری بین رانندگان معترض و مسئولان اداره حمل و نقل و پایانه مرز بازرگان شد و در نهایت با دخالت نیروی انتظامی رانندگان معترض به پاسگاه منطقه منتقل شدند. به علت این حرکت اعتراضی، فضای امنیتی در مرز بازرگان حاکم شد و ترافیک کامیونهای ایرانی و ترکیه برای عبور از مرز به ۲۰ کیلومتر رسید.

*جمعی از کارگران شرکت برق منطقه ای تهران صبح روز سه شنبه ۱۸ آذر در اعتراض به محروم شدن از برخی مزایای شغلی در مقابل ساختمان مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران نسبت به عملکرد سازمان تامین اجتماعی و شرکت برق منطقه ای تهران در خصوص ارائه برخی مزایای شغلی اعتراض دارند.



*روز سه شنبه ۱۸ آذر شماری از کارگران بازنشسته کارخانه نخ پارسیلون خرم آباد در اعتراض به ۴ سال مطالبات معوقه در مقابل ساختمان استانداری لرستان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران بازنشسته کارخانه نخ پارسیلون

خرم آباد که از سال ۸۹ تا ۹۲ به مرور بازنشسته شده اند هنوز موفق به دریافت معوقات حقوقی و سنوات پایان خدمت خود نشده اند.

*کارگران پتروشیمی کارون در روزهای دوشنبه ۱۷ و سه شنبه ۱۸ آذر، در پی عدم اجرای وعده کارفرما برای افزایش دستمزد اجتماع اعتراضی برگزار کردند.

به گزارش ایلنا، به دنبال این اجتماعات اعتراضی کارگران، کارفرما وعده داد که تا یک هفته تکلیف افزایش دستمزد کارگران شاغل در این کارخانه را روشن خواهد کرد و در نتیجه کارگران معترض به کار خود بازگشتند.

*بیش از دو هزار کارگر قراردادی کارخانه آلومینای جاجم واقع در استان خراسان شمالی، از صبح روز سه شنبه ۲۷ آبان تا روز یکشنبه ۱۸ آذر اقدام به راهپیمایی اعتراضی کردند. به گزارش جاجرم، در پی وعده کارفرما، ۲۲۰۰ کارگر قراردادی این کارخانه پس از ۲۲ روز به اعتراض خود پایان دادند.

کارگران در واکنش به بی توجهی کارفرمای نسبت به درخواست شان برای بازنگری در محاسبه حقوق و سایر مزایای قانونی، اتوبوسهای سرویس کارخانه را در میانه راه متوقف کرده و بخشی از مسیر رسیدن به سالنهای تولید (مسافت یک کیلومتری) را دسته جمعی راهپیمایی می کردند.

*کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در روز پنجشنبه ۲۰ آذر اعلام کرد که طی روزهای گذشته ۱۵ نفر از کارگران شرکت رنگین فام سنندج (تولید کننده ی کودهای شیمیایی)، به دلیل تعطیلی اجباری واحد تولیدی خود، که منجر به بیکاری تمامی کارگران مشغول به کار در آن شده است، در مقابل استانداری کردستان دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار بازگشت به کار خود شدند.

*اعتصاب بیش از ۲۵۰ تن از کارگران معدن کوشک بافق در روز سه شنبه ۱۸ آذر به چهارمین روز کشیده شد. به گزارش ایلنا، بیش از ۲۵۰ کارگر معدن کوشک بافق که نسبت به محقق نشدن مطالبات شان معترض بودند، برای چهارمین روز پیاپی دست از کار کشیدند. کارگران معدن کوشک بافق در پنجمین روز اعتصاب شان در نامه هایی به وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خواهان رسیدگی سریع به مطالباتشان شدند. روز پنجشنبه ۲۰ آذر، کارگران معدن کوشک با وعده کارفرما مبنی بر رسیدگی به مطالبات معوقه کارگران به اعتصاب پنج روز خود خاتمه دادند و به کار بازگشتند.

معدن سرب و روی کوشک بافق با بیش از ۳۵۰ کارگر در فاصله ۱۶۵ کیلومتری شرق یزد و ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بافق واقع شده است.

*صبح روز یکشنبه ۲۳ آذر جمعی از بازنشستگان کارخانه «نخ پارسیلون» خرم آباد در اعتراض به تعلل مالکان این کارخانه در خصوص پرداخت سنوات بازنشستگی شان، در مقابل استانداری لرستان تجمع کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا، در پی اعتراضات مکرر بازنشستگان در مقابل کارخانه و نهادهای مختلف دولتی در خصوص عدم دریافت سنوات پایان کار و قولهای بی عمل مدیرعامل کارخانه، بار دیگر کارگران ناچار شدند اعتراض خود را در مقابل استانداری اعلام کنند.

*صبح روز یکشنبه ۲۳ آذر جمعی از کارگران شرکتهای چهارگانه سرمایه گذاری سبز در اعتراض به وضعیت نامشخص مطالبات مزدی خود در محل این شرکت تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این تجمع در اعتراض به وضعیت نامشخص دستمزدها، حقوق و بیمه معوقه برپا شد.

در شرکتهای چهارگانه سرمایه گذاری سبز که شامل کارخانه های «کشت و صنعت مهاباد»، «مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد»، «مجتمع هما مرغ مهاباد» و «سردخانه زمزم مهاباد» است، نزدیک به ۲۰۰ تن کار می کنند.

*روز یکشنبه ۲۳ آذر کارگران شرکت معدنی چادرمو تجمع اعتراض آمیزی در اعتراض به شایعه انتخاب دبیر جدید انجمن صنفی کارگران این معدن برگزار کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این واحد با امضای طوماری حمایت خود را از دبیر انجمن صنفی کارگری این معدن که متعاقب اعتصاب یک ماهه کارگران در سال گذشته اخراج شده بود، اعلام کردند.

*جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه «نساجی مازندران»، روز یکشنبه ۲۳ آذر در اعتراض به طولانی شدن وضعیت پرداخت مطالبات شان با سفر به تهران در مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی ایران واقع در خیابان فردوسی تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع در واکنش به طولانی شدن زمان وصول مطالبات معوقه کارگران از سوی بانک ملی صورت گرفت. یکشنبه شب کارگران با وعده های مسئولان بانک ملی عازم شهرشان شدند.

*تعدادی از کارگران قراردادی اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان دشتستان، صبح روز دوشنبه ۲۴ آذر در اعتراض به عدم دریافت شش ماه حقوق دست از کارکشیده و مقابل ساختمان اداری شرکت آب و فاضلاب روستایی در شهر برازجان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران به دلیل عدم پرداخت مطالبات معوقه شان برای چندمین بار دست از کار کشیده و مقابل دفتر اداری آبفای دشتستان و سایر نهادهای دولتی شهرستان و استان تجمع کردند.

*صبح روز سه شنبه ۲۵ آذر کارگران کارخانه یاس خرمشهر برای دهمین بار در ماه آذر به دلیل تداوم بی توجهی کارفرما به پرداخت مطالبات شان، در مقابل ساختمان فرمانداری خرمشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در شرایطی که مسئولان استانی و شهرمان از مشکلات کارگران اطلاع دارند، هیچ تلاشی برای پرداخت مطالبات مزدی و بازگشایی کارخانه انجام نمی دهند.

*کارگران سهامدار کارخانه شمع نور (بوش) واقع در قزوین روز سه شنبه ۲۵ آذر به تهران آمدند و با تجمع مقابل دفتر مرکزی این واحد صنعتی خواستار پاسخگویی مسئولان این شرکت در خصوص وضعیت سهام خود شدند. به گزارش ایلنا، این کارگران علت برگزاری این تجمع را اعتراض به عملکرد سهامدار عمده کارخانه عنوان کردند. روز چهارشنبه ۲۶ آذر تجمع کارگران سهامدار شمع نور با وعده مذاکره خاتمه یافت.

*روز شنبه ۲۹ آذر شماری از صیادان خارگ با حضور در مقابل اسکله صیادی این جزیره تجمع کرده و خواستار رفع مشکلات خود شدند. به گزارش فارس، صیادان بیش از ۳۰ سال است که در این جزیره به شغل صیادی مشغول هستند.

*روز یکشنبه ۳۰ آذر، اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا وارد هشتمین روز خود شد. اعتصاب کارگران کارخانه کاشی «گیلانا» در اعتراض به عدم پرداخت ۱۶ ماه از دستمزد خود از روز سه شنبه ۲۵ شهریور با تجمع در مقابل فرمانداری شهرستان رودبار آغاز شد. به گزارش ایلنا، کارخانه کاشی گیلانا که در شهر منجیل واقع است سابقه طولانی در تولید کاشی دارد، اما از چند سال پیش به دلیل مشکلات مدیریتی این کارخانه برای پرداخت مطالبات کارگران و سایر هزینه های تولید با مشکلاتی مواجه شده است.

زنان در مسیر رهایی

سپیده سرشار

از هر ۱۰ زن ایرانی، ۹ نفر خانه نشین است

به گزارش اقتصاد نیوز، نرخ مشارکت زنان در اقتصاد ایران هرچند از سال ۷۶ تا ۸۴ بیش از هفت درصد رشد کرده بود، اما در فاصله سالهای ۸۴ تا تابستان امسال حدود هفت درصد کاهش یافته است. در این گزارش آمده است که افت بیکاری با کاهش مشارکت زنان همراه بوده و در سالهای اخیر هر بار که نرخ بیکاری کاهش یافته، با کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان همراه بوده است. موضوع قابل توجه دیگر درباره نرخ بیکاری زنان این است که معمولاً این نرخ بیش از دو برابر نرخ بیکاری مردان بوده است. با وجود این در آخرین آمار وضعیت بیکاری کشور این نسبت بیشتر شده و هرچند نرخ بیکاری مردان حدود هشت درصد اعلام شده، اما این نرخ برای زنان بیش از ۱۸ درصد ثبت شده است. مقامهای رژیم جمهوری اسلامی اینطور وانمود می کنند که زنان مایل به کار بیرون از خانه نیستند، این در صورتی است که با قوانین و دستورات جدید، هر روز بیش از گذشته زنان از محیط کار و کسب درآمد رانده می شوند. حکومت برای کاهش بحران بیکاری، زنان را از نیروی کار حذف می کند. در تابستان امسال شهرداری تهران بخشنامه ای را ابلاغ کرد که بر اساس آن از مدیران ارشد و میانی این سازمان درخواست شد که تنها از مردان به عنوان کارمند (مسوول دفتر، اپراتور، منشی و ...) استفاده کنند. چند ماه بعد اشتغال زنان در کافی شاپها هم ممنوع شد. در این مورد رییس پلیس اماکن ناجا گفته بود: "با توجه به اینکه قوانین حاکم بر کافی شاپها، همچون قوانین قهوه خانه ها است، از این رو اشتغال زنان در کافی شاپها نیز ممنوع است." پس از این دو رویداد، مجلس ارتجاع نیز محدودیتهای جدیدی برای اشتغال زنان تهیه دید. بر اساس طرح مجلس، اشتغال زنان منوط به رعایت "حرمت" آنها و پرهیز از اختلاط با مردان ذکر شده و در صورت نیازمندی نوع کار واحد صنفی به کار شبانه زنان، کارفرما نیازمند دریافت مجوز از اداره اماکن نیروی انتظامی خواهد بود.

انتخاب ۴ وزیر زن در دولت جدید یمن



تلویزیون "العربیة" در گزارشی می گوید: "انقلاب جوانان در سال ۲۰۱۱ و "کنگره گفتگوی ملی" به زنان یمنی این امکان را داد که به مناصب رهبری کننده برسند و در زندگی سیاسی خود به حقوق پایمال شده شان نایل شوند. زنان یمنی در کنگره گفتگوی ملی به صورتی فعال شرکت کردند و بهره ای که نصیب شان شد، ۳۰ درصد از مناصب بود. با تشکیل دولت جدید یمن در ابتدای ماه نوامبر، زنان یمنی به ۴ مقام وزارتی رسیدند.

خانم "نادیه السقاف" به عنوان وزیر تبلیغات انتخاب شد. وی قبل از این به عنوان سردبیر روزنامه "یمن تایمز" فعالیت داشت و به عضویت کمیته گفتگوی ملی انتخاب شده بود.

خانم "اروی عبده عثمان محقی" که فعالیتهای مطبوعاتی متعددی را دنبال می کرد، به عنوان وزیر فرهنگ انتخاب شد.

دکتر "سیمره خمیس عبید"، وزیر دولت سابق به عنوان وزیر مشاور انتخاب شد. او قبل از این منصب، رییس بخش برنامه ریزی و پژوهشهای عالی زنان بود.

و سرانجام خانم "قبول محمد عبدالملک المتوکل"، به وزارت امور اجتماعی و کار منصوب شد. او دختر دبیرکل "حزب اتحاد نیروهای مردمی" و از رهبران ائتلاف احزاب مشترک یمن است که ماه گذشته در "صنعا" ترور شد. تصدی منصبهای وزارتی توسط این چهار زن یمنی با استقبال فراوانی از طرف مردم یمن روبرو شده است.

حوثیها در یمن علیه زنان دست به کار می شوند

رقص سنتی وزیر فرهنگ یمن زمینه انتقاد شبه نظامیان شیعه "انصار الله" از دولت جدید این کشور را فراهم کرده است.

"اروی عثمان" چند ماه پیش در مراسم یکی از احزاب سیاسی به مناسبت روز ملی یمن به صورت سنتی رقصیده بود. او در کابینه جدید یمن که چند روز پیش توانست رای اعتماد بگیرد، به سمت وزیر فرهنگ منصوب شد. شایان توجه است که "اروی عبده عثمان" از جمله نویسندگان مشهور یمنی است.

اکنون این رقص، به دستمایه انتقادات شبه نظامیان شیعه "حوثی" از کابینه جدید یمن تبدیل شده است. خبرگزاری رویترز نوشت: "انتقادات حوثیها از رقص خانم "اروی عثمان" وزیر فرهنگ یمن باعث شده تا رویارویی میان فعالان حقوق زن و گروه "انصار الله" در یمن به وجود بیاید."

شبه نظامیان شیعه حوثی در ماه های اخیر توانستند پایتخت یمن را تحت کنترل درآورند.

هنگامی که اروی به سمت وزیر فرهنگ انتخاب شد، حوثیها و روزنامه های حامی آنها او را مسخره کردند. تیترا نخست یکی از روزنامه های حامی حوثیها این بود: "کابینه رقص".

رویترز افزوده است: "برخی گزارشها از سوی برخی شهروندان عادی نشان می دهد، انصار الله نگاه خاص خود را درباره شیوه زندگی زنان تحمیل می کند.

در دانشکده رسانه در دانشگاه "صنعا" دو دختر جوان که لباسهای رنگی پوشیده بودند، گفته اند که مجبور شده اند لباس سنگین تری بپوشند تا از سوی اعضای انصار الله که در ورودی دانشگاه مستقر شده اند، با مشکل مواجه نشوند.

سهمیه زنان آلمانی در هیات مدیره شرکتها قانونی شد

شرکتهای بزرگ آلمانی موظف شده اند که از سال ۲۰۱۶ دستکم ۳۰ درصد از جایگاه های نظارتی هیات مدیره شان را به زنان اختصاص دهند. این در حالیست که بیش از ۸۰ درصد موقعیتهای شغلی در هیات مدیره های آلمانی را مردان اشغال کرده اند، در حالی که ۴۰ درصد کابینه فدرال آلمان را زنان تشکیل می دهند.

"آنگلا مرکل"، صدر اعظم آلمان که در ابتدا مخالف این اصلاحات بود، به پارلمان آلمان گفت: "این قانون گام مهمی در جهت برابری زن و مرد است و به تغییر فرهنگ در مراکز کار منجر می شود. ما بدون مهارت زنان نمی توانیم از عهده اداره جامعه برآییم."

برخی از چهره های سرشناس کارفرمایی در آلمان از این قانون جدید انتقاد کرده اند.

خبرنگاران می گویند قوانین جدید شرایط ۱۰۰ شرکتی را که کارکنان شان در هیاتهای نظارتی غیر اجرایی نماینده دارند، تحت تاثیر قرار می دهد. ۳۵۰۰ شرکت دیگر نیز باید در آینده اهداف شان را برای رسیدن به برابری جنسیتی اعلام کنند. کشورهای دیگر اروپایی نیز این روال را پیش گرفته اند.



اردوغان: زنان و مردان برابر نیستند

رئیس جمهوری ترکیه که بارها با سخنانش جنجال آفریده است و به تازگی هم گفته بود که مسلمانان، آمریکا را ۳۰۰ سال پیش از کریستف کلمب کشف کردند، اکنون اعلام می کند که زنان با مردان مساوی و برابر نیستند. وی با این گفته موجب خشم عمومی در کشورش شد.

اردوغان همچنین فمینیست‌ها را به عدم درک صحیح از جایگاه ویژه ای که اسلام برای مادران در نظر گرفته، متهم کرد. خبرگزاری اسوشیتدپرس گزارش داده است که "رجب طیب اردوغان"، رییس جمهور اسلامگرای ترکیه در جریان نشست در استانبول درباره زنان و عدالت گفت: "شما نمی توانید زنان و مردان را در یک جایگاه برابر قرار دهید، چرا که برخلاف طبیعت است. آنها متفاوت خلق شده اند. طبیعت شان متفاوت است، سرشت آنها متفاوت است. مادر بودن جایگاه ویژه ای دارد. شما نمی توانید آن را با فمینیسم توضیح دهید. آنها این جایگاه را نمی فهمند. آنها چنین نگرانیهایی ندارند."

در همین حال "حولیه گل بهار"، وکیل و فعال حقوق زنان گفت: "اظهارنظرهای اردوغان ناقض قانون اساسی، قوانین ترکیه و کنوانسیونهای بین المللی درباره برابری جنسیتی است و کمکی به ریشه کنی خشونت علیه زنان در کشور نمی کند."

وی ادامه داد: "چنین اظهارنظرهایی از سوی مقامهای دولتی ترکیه تنها باعث افزایش خشونت علیه زنان می شود. هدف از طرح چنین صحبت‌هایی، تضعیف موقعیت زنان در جامعه است."

تظاهرات زنان پناهنده افغان در مقابل دفتر کمیساریای سازمان ملل در تهران

بیش از ۲۰۰ نفر از زنان پناهنده افغانستانی در اعتراض به افزایش شهریه های اجباری دانش آموزان مهاجر افغان توسط وزارت آموزش و پرورش ایران، در مقابل دفتر کمیساریای سازمان ملل در تهران، دست به تظاهرات زدند. یکی از تجمع کنندگان گفت: "به تازگی و در سال تحصیلی جاری، وزارت آموزش و پرورش دولت ایران، شهریه دانش آموزان پناهنده را در مقایسه با سال قبل ۳ برابر افزایش داده و دانش آموزان را ملزم به پرداخت شهریه برای مقطع تحصیلی دبیرستان به مبلغ ۳۶۰ هزار تومان، برای راهنمای ۳۳۰ هزار تومان و برای ابتدایی ۳۰۰ هزار تومان نموده است."

وی گفت: "بیشتر پناهندگان قشر کارگر و آسیب پذیرند و نیز با توجه به محدودیت شغلی و نداشتن درآمد ثابت، توان پرداخت این مبالغ را ندارند و از دولت ایران و سازمان ملل تقاضا دارند تا نسبت به کاهش شهریه ها اقدام انسان دوستانه نمایند."

یکی دیگر از معترضین گفت: "با توجه به اینکه همه شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی خانمها هستند و این تجمع آرام و مسالمت آمیز است، اما با واکنش نیروی انتظامی روبرو شده و پلیس آنها را محاصره و از عکس و فیلمبرداری و هرگونه اعتراض جلوگیری می کند."

وی در ادامه گفت: "یک نفر از کمیساریا به معترضان گفته است تقاضای آنها را پیگیری می کند."

این پناهندگان دارای مجوز اقامتی "کارت آمایش ۹" هستند. جمهوری اسلامی ادعا می کند در زمینه آموزش تفاوتی بین مهاجرین افغانستانی و شهروندان ایران وجود ندارد.

زنان و اینترنت

سایت "وورد پلاس" می نویسد: "یک زن با یک لپتاپ می تواند از یک مرد با یک سلاح، قدرتمند تر باشد. زنان پتانسیل تبدیل شدن به نیرویی که می تواند "تغییر" را امکان پذیر کند، دارند."

در گزارش منتشر شده در این سایت به فعالیت زنان در پاکستان، هند و آرژانتین اشاره می شود و اینکه آنها تلاش می کنند به دختران جوان استفاده از اینترنت را آموزش بدهند.

این فعالان می گویند: "وقتی زنان آگاه باشند، به منابع دیجیتالی دسترسی داشته باشند و جامعه آنها را پشتیبانی کند، بهتر می توانند سازماندهی



کرده و تاثیرات مثبت و پایداری را در جامعه ایجاد کنند."



شیر دادن اعتراضی مادران بریتانیایی به نوزادان در ملا عام

جمعی از مادران بریتانیایی در اعتراض به رفتار خدمه هتل لوکسی در لندن، با تجمع در برابر این هتل اقدام به شیردادن به نوزادان شان کردند. خدمه این هتل به تازگی از مادری خواسته بودند تا به هنگام شیر دادن به نوزادش در رستوران هتل، پارچه ای را روی سر نوزاد انداخته و پستانهای خود را بپوشاند.

طبق قانونی که در سال ۲۰۱۰ در بریتانیا به تصویب رسیده، مورد تبعیض قرار دادن مادران شیرده عملی غیرقانونی به شمار می رود.

در این میان بحثهای موافق و مخالف در افکار عمومی بریتانیا بر سر شیردادن به نوزادان در فضای عمومی به راه افتاده است. دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، یکی از حامیان حق زنان در شیر دادن به نوزادانشان در فضای عمومی به شمار می رود.

این بحث به ویژه از زمانی در بریتانیا داغ شده است که "نایجل فاراژ"، رهبر حزب استقلال بریتانیا (یوکیپ) گفت که به نظر وی زنان برای شیر دادن به نوزادان خود باید "به یک گوشه بروند." زنان معترض در پلاکاردی با مضمون "کسی حق ندارد نوزادان را به گوشه براند"، به وی پاسخ دادند.

برنامه ریزی زن و خانواده مطابق فرامین رهبر صورت می گیرد

شهیندخت مولوردی، معاون روحانی در امور زنان و خانواده گفته است، "برنامه ریزی در حوزه زن و خانواده مطابق فرامین مقام معظم رهبری صورت می گیرد." وی اطمینان می دهد که دولت روحانی تلاش می کند برای اجرایی شدن مطالبات خامنه ای برنامه ریزی نموده و به آن جامه عمل بپوشاند.

وی مهم ترین مطالبه خامنه ای را جایگاه و کرامت زنان در خانواده و اجتماع و دیگری بحث جمعیت و قوام خانواده اعلام کرد. معاون روحانی در امور زنان و خانواده همچنین الگوی رفتاری معاونت زنان در بحث جمعیت را "فرمان رهبری" دانست.

انتقاد فائزه هاشمی از دولت روحانی

فائزه هاشمی می گوید، این درست نیست که زنان به کار و تلاش بپردازند، اما پست و سمت تنها متعلق به مردان باشد و متاسفانه دولت یازدهم نتوانسته در حوزه زنان اقدام جالبی انجام دهد و رضایت این بخش از جامعه را جلب کند. وی با ابراز تاسف از اینکه تاکنون هیچ تحولی در حوزه زنان صورت نگرفته است، افزود: "اگر هم در این حوزه تغییراتی صورت گرفته، چندان چشمگیر نبوده است."

ایران در میان "۱۰ کشور بد جهان" برای زنان

"فوروم جهانی اقتصاد"، ایران را در لیست "۱۰ کشور از بدترین کشورها برای زنان" در رده ششم قرار داد.

در گزارش "فوروم جهانی اقتصاد" پیرامون بررسی وضعیت ریشه کن کردن تبعیض جنسی در جهان، ۱۰ کشور بد جهان برای زنان معرفی شده اند. در این فهرست نام ایران در مقام ششم آمده و یمن، پاکستان، چاد، سوریه و مالی در مقامهای اول تا پنجم قرار گرفته اند.

به نوشته "هافینگتون پست"، این گزارش شاخصهایی چون فرصت کار برابر، امکان برخورداری از بهداشت و بیمه، امکان تحصیل و بررسی حضور سیاسی در میان مردان و زنان را در کشورهای جهان بررسی کرده است. مقام هفتم تا دهم این جدول در اختیار کشورهای ساحل عاج، لبنان، اردن و مراکش است. متن این گزارش روی سایت فوروم جهانی اقتصاد در دسترس است.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

فقر، اعتیاد و نبود آموزش اجتماعی ارمغان سیاه ولایت فقیه

گردآوری: اسد طاهری

اول دسامبر/ دهم آذر ماه، روز جهانی ایدز بود. تعیین این روز موقعیت مناسبی را برای مبارزه با ایدز در سراسر جهان فراهم می کند. نامگذاری این روز به ما خاطر نشان می کند که باوجود همه پیشرفتهای هئوز روزانه ۱۴هزار نفر در جهان به ایدز مبتلا می شوند. در حال حاضر حدود ۴۰ میلیون نفر در جهان مبتلا به ایدز هستند و تا سال آینده نزدیک به یک میلیون و پانصد هزار نفر آنان جان خود را از دست خواهند داد، در حالی که بیش از دو میلیون نفر دیگر به ویروس "اچ آی وی" آلوده می شوند. از سال ۱۹۸۱ تاکنون، حدود ۲۸ میلیون نفر در جهان بر اثر این بیماری جان باخته اند.

آمارها

تعیین مناسبیتی به نام روز جهانی ایدز، به مردم، به کوشندگان مبارزه با ایدز و به متولیان بهداشت و سلامت جامعه یادآوری می کند که اصلی ترین راه کنترل این بیماری، آموزش و افزایش آگاهی درباره راههای انتقال ایدز و مبارزه با تبعیضهای اجتماعی است.

رژیم جنایتکار ملایان در سال ۱۳۹۰ با تایید شورای عالی انقلاب فرهنگی روز جهانی ایدز را به بهانه "عدم شمول کشوری" از تقویم رسمی کشور حذف کرد و همچنین کاندوم را کالایی غیر ضروری شناسایی و وارداتش را ممنوع ساخت. این در حالیست که روابط جنسی محافظت نشده در ایران، رتبه دوم شیوع ایدز را دارد. انتقال از طریق سرنگ آلوده در جایگاه نخست قرار گرفته است. پیرامون شمار مبتلایان به این ویروس کشنده، از سوی منابع رسمی آمارهای متناقضی داده می شود. برخی از منابع رسمی رقم مزبور را سی هزار نفر اعلام می کنند و برخی دیگر مانند مینو محرز، رییس مرکز تحقیقات ایدز وزارت بهداشت، از وجود ۱۰۰هزار مبتلا به بیماری ایدز خبر می دهد. در همین حال سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده است که از هر ۵ نفر مبتلا به ویروس ایدز در ایران، فقط یک نفر از بیماری خود آگاه است و درباره سهم زنان بر اساس فرمولهای سازمان بهداشت جهانی نیز نگرانی دو چندان است.

بر اساس آمارهای وزارت بهداشت، در سال ۱۳۹۱ سهم زنان در جدیدترین موارد به ایدز از طریق روابط کنترل نشده و بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. اهمیت این آمار از آنجایی است که بدانیم حکومت زن ستیز ولایت فقیه هیچ گونه اقدامی برای کنترل ایدز از طریق روابط جنسی نکرده است.

آرش علایی، کارشناس ایدز و اعتیاد، گسترش شتابان ویروس ایدز در ایران را "آتشفشان ایدز" نامیده و معتقد است ایدز آتشی است که چند سال زیر خاکستر بوده و حال از زیر خاکستر سر برآورده است. آمار ایدز در حالی در ایران

افزایش می یابد که براساس آمارهای جهانی، از سال ۲۰۰۵ تا کنون شمار مبتلایان به این بیماری ۳۰ درصد کاهش یافته است و پیش بینی می شود جمعیت ۳۵ میلیونی مبتلایان به ایدز تا سال ۲۰۱۵ به سطح ۱۵ میلیون نفر نزول کند.

هموارسازی راه انتقال ویروس

آمارهای جمع آوری شده از دانشگاههای علوم پزشکی ایران نشان می دهد که انتقال جنسی بیماری ایدز، به صورت رشد یابنده در حال افزایش است. تا سال ۱۳۸۹، فقط ۳۲۹ مورد یا کمتر از دو درصد جمعیت آلوده به اچ آی وی از طریق ارتباط جنسی محافظت نشده به بیماری مبتلا شده بودند، اما گزارش اخیر مرکز مدیریت بیماریهای واگیر وزارت بهداشت حاکی از آن است که در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ ده درصد از مبتلایان از طریق جنسی بیمار شده اند و این میزان در سالهای ۹۱ و ۹۲ به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.

در این رابطه پیش از این نیز، رییس مرکز تحقیقات ایدز نسبت به روند رو به رشد شیوع ایدز در میان زنان هشدار داده بود. مینو محرز در باره شیوه های ابتلا به این بیماری در زنان، ضمن اشاره به بیشتر بودن خطر ابتلا به دلیل روابط جنسی محافظت نشده در زنان گفت: "ابتلا به ایدز میان زنان بیشتر از طریق روابط جنسی محافظت نشده و بعد از آن از طریق اعتیاد است."

در آمار بسیاری از کشورها، بیشتر زنان از راه تماس جنسی با شریک جنسی مبتلا به ویروس ایدز، آلوده به آن شده اند. در روابط بین دو شریک جنسی زن و مرد، زنان از نظر جسمانی آمادگی بیشتری نسبت به مردان برای دریافت ویروس دارند. این واقعیت یک پیام با خود دارد و آن این است که باید توجه خاصی به زنان در مقابله با اپیدمی ایدز شود، اما رژیم زن ستیز نه تنها این حساسیت را به رسمیت نمی شناسد، بلکه به دلیل دیدگاه ارتجاعی خود اجازه آموزش و جلوگیری و روش کنترل این گونه بیماریهای مقاربتی را هم نمی دهد. با این شیوه برخورد، زمینه کشانده شدن ایدز به مدارس نیز فراهم می شود و شیوع آن در بین جوانان هم گسترش پیدا خواهد کرد.

ایدز و بی عدالتی اجتماعی

شیوع ایدز در گروههای محروم جامعه دهها برابر مردم مرفه است و در زنان با شتاب بیشتری رشد می کند. به نظر می رسد اظهار نظر "میشل سیدیبه"، مدیر اجرایی برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز، مصداق کاملی در شرایط اجتماعی بهداشتی امروز ایران یافته باشد. به گفته او "ایدز آئینه تمام نمای نابرابریهای جامعه است" و دلیل آن را عوامل زمینه ساز بیماری ایدز، یعنی نداشتن آگاهی، رفتارهای جنسی پرخطر و اعتیاد تزریقی در اقشار محروم جامعه می داند.

نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی جامعه از جمله ثروت، آموزش، خدمات بهداشتی و منزلت اجتماعی، بسترهای اجتماعی پدید آمدن ایدز هستند. از بین بردن این نابرابریها، تنها راه کنترل و به صفر رساندن موارد ایدز است. در کنار سونامی سرطان که در اثر آلودگیهای ناشی از سموم و ریزگردها و غیره گریبان جامعه را گرفته، آتشفشان ایدز نیز به جان جامعه و به خصوص زنان و جوانان افتاده است. رژیم ولایت فقیه کشتزار سرطان و ایدز است، مبارزه همه جانبه و پایدار با بیماریهای قابل کنترل در گرو خشکاندن این منبع است.

منابع:

صدای آمریکا

سلامت ایران

ویکیپدیای فارسی

دویچه وله

ما با یک جنبش زیست محیطی جدید روبرو هستیم

مصاحبه با ناوومی کلاین در باره سرمایه داری، تغییرات آب و هوایی و جنبشهای اجتماعی

Luxemburg Online

برگردان: بابک

در این باره که افزایش دمای جهانی کار انسانها است و تهدیدی جدی برای آینده ما به شمار می رود، در محافل علمی و مرتبط با موضوع محیط زیست اتفاق نظر وجود دارد. همزمان، در بیشتر راه حلهایی که ارائه می شود، یا مسوولیت فردی در شکل گیری تهدید جهانی برجسته می گردد (توصیه به خرید لامپ کم مصرف یا خودروی دوسوخته Hybrid) یا بر سیستمهای مبتنی بر بازار مانند مبادله آلودگی اتکا می شود. به نظر "ناوومی کلاین" این واکنشها نه فقط کافی نیست، بلکه به این وسیله امکان برخورد به علت پایه ای تغییرات آب و



هوایی، یعنی سرمایه داری نیز از دست می رود.

کتاب جدید ناوومی کلاین، "این همه چیز را دگرگون می سازد: سرمایه داری علیه آب و هوا" از یکطرف به گونه نامنتظری لحن اطمینان بخشی دارد و از طرف دیگر، عمیقا شخصی است زیرا کلاین توانسته است در این کتاب تجربیاتش را در این باره که چگونه باوجود حاملگی به تحقیق در باره تهدید فروپاشی محیط طبیعی پرداخت، جاری سازد. او در کتاب خود همه آنهایی که نگران تغییرات آب و هوایی هستند را به امر به ظاهر ناممکن تغییر مناسبات سیاسی و اقتصادی فرا می خواند. به گفته او این امر نه فقط ضروری است، بلکه چشم اندازی نیز به روی یک جامعه عادلانه تر و انسانی تر از آن چه که هم اکنون در آن زندگی می کنیم، می گشاید.

در برخورد به موضوع بحران زیست محیطی، سرمایه داری به آهن گداخته ای شبیه است که هیچکس نمی خواهد به آن دست بزند. شما اما - همانگونه که از تیتیر کتاب تان پیداست - در بررسیهای خود آن را در مرکز می نشانید، چرا؟

من پیوند میان سرمایه داری و تغییرات اقلیمی را برجسته می کنم زیرا بی ثباتی سیستم زندگی ساز زمین به ما نشان می دهد که امری پایه ای در سیستم اقتصادی مان غلط است. اقتصاد ما برای فعالیت در چارچوب نظم سرمایه داری، به رشد مستمر و بهره کشی مداوم از منابع و از جمله منابع پایان پذیر نیاز دارد. این در حالی است که جلوگیری از افزایش دمای فاجعه آمیز زمین و رخ دادن دیگر تحولات کیفی، به محدود شدن استفاده از منابع توسط انسان بستگی دارد.

پژوهشها در باره تغییرات جوی، نادیده گرفتن این تضاد پایه ای را غیرممکن کرده است. اما راندن این چالش به کانون بحث، شکستن تابو است و گاهی یک چنین تابوشکنی از آن رو که به زبان آورده شده، تسکین دهنده است. همین دریافت را هم تاکنون از تاثیر کتابم داشته ام. این کتاب به مسایلی می پردازد که خوانندگان پیشتر می دانستند و اکنون تشویق می شوند که آن را بر زبان هم بیاورند. این نقطه شروع خوبی برای آغاز برخورد جدی است.

چرا این تابو، اشاره به پیوند بی واسطه بین سرمایه داری و تغییرات جوی، در آمریکا اینقدر رواج دارد؟

به نظرم علت در آن است که سرمایه داری در ایالات متحده جایگاه یک مذهب را دارد. و نیز به این دلیل که چپ آمریکا کاملا "کینز"ی فکر می کند، با وجود آنکه خود کینز رشد اقتصادی را زیر سووال برده است. در این دوران تاریخی اما بحث اصلی آنهایی که دیدگاههای کینز را به امروز گسترش داده اند، بیش از همه تقسیم سود حاصل از رشد اقتصادی است.

در کتابم ضرورت یک رشد منفی پاره گرایانه را توصیف کرده ام. در جریان چپ، گرایشهایی وجود دارد که هر گونه شکل از رشد را رد می کنند. مساله من اما هدایت تحولات اقتصادی است. بخشهایی از اقتصاد ما هستند که تاثیر حداقلی بر محیط زیست دارند و باید گسترش یابند، مانند بخشهای نگهداری و مراقبت، آموزش، هنر و فرهنگ. این امر می تواند محل کار جدید به وجود بیاورد، در خدمت تندرستی انسانها قرار بگیرد و تساوی حقوق را در جامعه تقویت نماید. همزمان باید بخشهایی از اقتصاد که در آن رشد فقط به خاطر رشد صورت می گیرد، به عقب رانده شود. در این پاره، بخش مالی قرار دارد که نقش مهمی در دامن زدن به مصرف بازی می کند.

شما می گوید که چپ برای ورود به موضوع تغییرات اقلیمی به درجه سیستماتیک خودش نیاز دارد؛ یک پروژه انتقالی که خود را از دگمهای اقتصاد بازار رها سازد. این پروژه چیست؟

کشورهای صنعتی می بایست سالانه نزدیک به هشت تا ده درصد از میزان انتشار آلودگی خود بکاهند؛ اقدامی که با نیازهای سرمایه داری سازگاری ندارد. چنین کاهشی را به سختی می توان با سیستم اقتصادی ای همخوان ساخت که بر پایه رشد مداوم استوار است. تنها زمانی که کاهش آلودگی در این سطح صورت گرفت، در سالهای دوران رکود دهه ۱۹۳۰ بود. اینکه ما چگونه گذار از وضع موجود را شکل می دهیم، نما و نوع سازمان یابی جامعه آینده ما را تعیین خواهد کرد. مطلوب و ضروری، سرمایه گذاری کلان در بخشهای همگانی است، همچون حمل و نقل عمومی، مسکن و بخشهای دیگر زیربنایی و خدماتی که ما برای آمادگی در برابر تغییرات پیش بینی پذیر شدید آب و هوا و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای به آنها نیاز داریم.

به عنوان چپ باید تلاش کنیم مهار این پروژه ها را به دست بگیریم، چرا که امکان می دهد گذار عادلانه تر صورت پذیرد و در انتها یک سیستم اقتصادی بهتر شکل بگیرد. می توان هم گذاشت تا اقتصاد در هم فرو بپاشد و همه چیز به آتش کشیده شود، اما این یک تصویر وحشتناک است و به خیل عظیمی آسیب می رساند.

این سناریو می تواند دستمایه خوبی برای یک فیلم هالیوودی باشد.

به نظرم جالب توجه است که هر گاه ما آینده را تصور می کنیم، در نگاه مان شکاف بین دارا و ندار بسا وحشیانه تر از آنچه است که در جهان امروز می شناسیم. به نظر می رسد که این بخشی از فرهنگ ما شده باشد. ما برای خودمان ظرفیت بیشتری از تبدیل به جوامعی مانند آنچه که در فیلمهایی مانند "برف شکن" (Snowpiercer)، "بهشت" (Elysium) و "مسابقات مرگبار" (The Hunger Games) به تصویر کشیده شده، نمی بینیم. گویی همه وحدت نظر دارند که این جهتی است که به سوی آن روان هستیم. سووال اما این است که آیا می توان تصور کرد به گونه دیگری جز رشد نابرابری، سرمایه داری فاجعه بار و راه حلهای ناکافی تکنولوژیک به بحران واکنش نشان داد؟ به نظر می رسد این موضوعی است که باید بر سر آن وحدت نظر داشت، موضوع اصلی این است.

در پروژه های گزینه ای که شما مطرح می کنید، برای دولت نقش همه جانبه ای در نظر گرفته شده. همزمان بسیاری از چپها با دیده تردید به تلاش در جهت کسب قدرت یا آنگونه که شما گفتید "به دست گرفتن مهار پروژه ها" برای ایجاد دگرگونیهای سیستماتیک می نگرند.

نسل چپ ما مرزبندی عمیقی با سوسیالیسم متمرکز دولتی دوران گذشته داشت و آن را نفی می کرد. این موضع دلایل خوب و درک پذیری داشت. اما از هنگام شروع تازه ترین بحران اقتصادی، من دوباره در نسل جدید خواست تاثیر گذاری بر سیاست و تغییر مناسبات قدرت را شاهد هستم. این پدیده را می توان در جنبش برآشفنگان اسپانیا که حزب خود را بنیان گذاشتند و در انتخابات شرکت جستند، یا در شرایط پس از بحران در ایسلند که به حاشیه رفتگان تصمیم گرفتند پا به میدان سیاست بگذارند اما با شرایط خودشان، می توان مشاهده کرد. همچنین در انتخابات محلی از این مثالها بسیار است، مثل مبارزه برای حداقل دستمزد در سیاتل.

مشاهدات من بیانگر آن است که در نقاطی که گرایش به ویژه شدیدی علیه پذیرش سیاست متعارف در هر شکل آن وجود داشت، جهتگیری دوباره تغییر می یابد، تحت این شعار که ما به هیچ وجه این ساختار متمرکز را کپی نمی کنیم اما شرایط فعلی جدی و وخیم تر از آن است که بتوان همچنان نهادهای گوناگون و از جمله فرایندهای قانونی را نادیده گرفت. از این رو باید تلاش کرد آنها را تغییر داد و در این مسیر، باور به ضرورت ساختارهای غیرمتمرکز در شیوه سازماندهی و دخالتگری بازتاب مادی بیابد.

آیا نمونه ای وجود دارد که توانسته باشد با این روش تاثیر توجه پذیری بر سیاستهای انرژی و آب و هوایی بگذارد؟

یک نمونه واقعا برجسته، تحول منابع انرژی است که در آلمان صورت می گیرد. در آنجا سی درصد انرژی تولید شده از منابع تجدید پذیر و بیش از همه از باد و انرژی خورشیدی به دست می آید که به طور غالب توسط شرکتهای تحت کنترل مجامع محلی و از جمله صدها تعاونی انرژی تولید می شود. افزون بر این، ما شهرهای بزرگی مانند مونیخ را می بینیم که تصمیم گرفته اند خصوصی سازی بخش تامین انرژی را ملغی سازند و بدینگونه بخشی از انقلاب انرژی باشند.

از نمونه آلمان می توان آموخت که برای به جریان افکندن تحولی در این سطح، به یک چارچوب قوی سیاسی نیاز است. این شیوه که خوب حالا بیابید یک تعاونی انرژی تشکیل دهیم، در اینجا کافی نیست. آرمانی سازی رواج یافته از پروژه های کوچک ما را به جایی که می خواهیم نمی برد. آلمان در بعد فدرال دارای استراتژی سیاسی روشنی است. تنها براین اساس ممکن شد که در چنین زمان کوتاهی سهم انرژیهای تجدید پذیر به سی درصد افزایش یابد و شاید تا سال ۲۰۳۰ حتی به پنجاه درصد برسد. این مثال همچنین ثابت می کند که با تدبیرهای هوشمند سیاسی می توان تمرکز زدایی را به گونه سیستماتیک به جریان انداخت.

چه چیزی انگیزه شما در نوشتن این کتاب شد؟ آیا مناسبت مشخصی وجود داشت که برایتان روشن کرد،

من باید کتابی در باره تغییرات جوی بنویسم؟

تصمیم به پرداختن نزدیک تر به این موضوع را در سال ۲۰۰۹ گرفتم؛ زمانی که گزارشی در باره یک کنفرانس ضد نژاد پرستی سازمان ملل در ژنو تهیه می کردم. در کنفرانس پیش از آن در "دوربان"، آفریقای جنوبی، در سال ۲۰۰۱ بحث گسترده علنی پیرامون این پرسش جریان داشت که آیا آمریکا و اروپا باید به خاطر تباهیهای که در دوران تجارت برده و استعمار به بار آورده اند، به کشورهای آفریقای غرامت بپردازند یا نه. پس از ۱۱ سپتامبر این موضوع دوباره به سرعت از دایره بحث عمومی بیرون رفت و در کنفرانس ۲۰۰۹ به خوبی روشن شد که چقدر به عقب رانده شده ایم.

در این نشست در ژنو من با "انجلیکا ناوارو" (Angélica Navarro)، یک مذاکره کننده از بولیوی ملاقات کردم که در جریان کارش پیشنهادهای بسیار جالبی در باره آب و هوا و پرداخت خسارات ارایه کرده بود و از آن جمله طرح "بدهیهای اقلیمی" و اینکه چگونه می توان آن را در مذاکرات سازمان ملل در مورد حفاظت از جو جای داد. اینجا آن نقطه ای بود که ناگهان دریافتم علوم طبیعی با صراحت بی مانندش در باره مسوولیت تاریخی در برابر تغییرات آب و هوایی تا چه اندازه اهمیت دارد. برایم روشن شد که می توان از آن عنوان ابزاری برای تحقق خواستههای گوناگون برابری طلبانه که جنبشهای اجتماعی از دیر باز برای آن مبارزه می کنند، سود جست.

لحن کتاب شما در باره موضوعی که معمولا اندوهبار است، امیدوارانه به گوش می رسد.

برای من بسیار سخت است که وقتی دلسرد هستم، دست به قلم ببرم. نوشتن این کتاب پنج سال وقت برد، بیشتر به این دلیل که در ابتدا امیدواری ام زیاد نبود. سپس با گسترش انفجاری مقاومت در برابر پروژه های مشخصی برای استخراج منابع معدنی مانند شکافت با آب (Fracking) یا علیه ساخت خطوط لوله انتقال نفت و پایانه های ذغال

سنگ روبرو شدم. شیوه و نوعی که این تحول صورت گرفت، یعنی به گونه جهانی و به خوبی به هم پیوند خورده، مرا به یاد به اصطلاح جنبشهای ضد جهانی سازی سالهای پیش انداخت.

رویداد مزبور و اندیشه به اینکه این شکل از جنبش گسترش یابد و کتاب من بخش از آن می تواند باشد، مرا واقعا به هیجان آورد. تصور من این است که ما درآستانه تجربه فاز جدیدی از جنبشهای اجتماعی هستیم و آن هم به صورت نزدیک شدن نیروهایی که به مساله توزیع مجدد ثروت و عدالت می پردازند با جنبشهای جدید مردمی که علیه سیاست افراطی دولتها مبارزه می کنند. وقتی عده ای به مقاومت علیه شکافت با آب یا ساخت خطوط عظیم لوله نفت برمی خیزند، این جبهه را در درجه نخست به خاطر هراس از تغییرات جوی نگرفته اند، بلکه چون به یک منطقه، به یک محل مشخص دلبستگی دارند. گاهی خواست آنها حفاظت از آبهای محلی ست یا نگرانی در باره سلامتی کودکان شان نیرویی است که آنان را به پیش می راند. اما تغییرات جوی به شکل گرفتن این مبارزات با این هدف که مواد کربنی زیر زمین باقی بمانند و در جو رها نشوند، ضرورتی دوچندان می دهد.

چند سال پیش شما برای اولین بار مادر شدید. این تجربه چه تاثیری بر نگاه شما به تغییرات جوی داشت؟ آیا این چشم انداز که تاثیرات دهشت انگیز تغییرات اقلیمی در همین قرن ما لمس پذیر خواهد بود، تصمیم شما برای بچه دار شدن را سخت تر کرد؟

من ۳۸ ساله بودم که تصمیم گرفتم بچه دار شوم و شروع به تلاش برای باردار شدن کردم. این کمی دیر هنگام بود. گفتگویی با همسرم را به یاد می آوردم که در آن به او توضیح دادم هر چه عمیق تر به تغییرات جوی می اندیشم، بیشتر حس می کنم که اگر زمانی صاحب بچه شدم، کودکم مجبور خواهد بود در آینده ای همچون سری فیلمهای "مکس دیوانه" (Mad-Max) زندگی کند که در آن می بایست با دوستانش بر سر دسترسی به مواد غذایی و آب بجنگد.

گمان می کنم برخی از نشانه های امیدوار کننده ای که پیشتر به آن اشاره کردم، برای تصمیم مادر شدنم مهم بودند و برایم ممکن ساختند تصویر دیگری از آنچه که ما هم اکنون می بینیم، از آینده داشته باشم. اما بهتر است گفته هایی مانند اینکه چون صاحب بچه شده ام، حالا نگرانی ام در باره آینده بیشتر شده و نظایر آن را کنار بگذاریم. من به عنوان کسی که زمانی طولانی بچه نداشت و برایش باردار شدن سخت بود، به خوبی به یاد می آورم که چطور از شنیدن چنین حرفهایی منزجر بودم، چون فاصله افکن و خط و مرز کشی است. به عنوان بخش از والدین می فهمم که چرا چنین چیزهایی گفته می شود، زیرا زمانی که می شنوی زمین در سال ۲۰۵۰ فلان درجه گرم تر خواهد شد، آنگاه به گونه اتوماتیک شروع می کنی به حساب کردن اینکه پسر در این تاریخ چندساله خواهد بود. اما من پیش از آنکه پسر "توما" به دنیا بیاید با نگرانی به آینده می نگرستم و برخی از اندیشناک ترین کسانی که می شناسم، بی فرزند هستند. به همین دلیل در این رابطه محتاطانه حرف می زنم.

در نیویورک تلاش زیادی برای تدارک "راهپیمایی اقلیم توده" صورت گرفت. چرا این اعتراض جهانی بدین گونه مهم است و چه چشم اندازی دارد که در درازمدت تاثیری بر جا گذارد؟

مدتها تغییرات جوی موضوعی شمرده می شد که به نوه های ما ربط خواهد یافت. در این میان، این مساله ی امروز و اکنون شده است. در سالهای اخیر جنبشهای زیست محیطی نگاه ستاره شناسانه خود به نقطه ی در حال محو آبی و سفید در کهکشان سیاه را که در آن هیچ انسانی تمیز داده نمی شود، کنار نهاده و به زمین سفت پا گذاشته اند.

این جنبش خود را به انسانهایی پیوند داده که به خاطر نیاز پایه ای خود همچون هوای تمیز برای کودکان شان و آب قابل آشامیدن به حرکت درآمده اند.

من عمیقاً باور دارم که ما با جنبش زیست محیطی متفاوتی روبرو هستیم. فکر می‌کنم این جنبش هم اکنون شکل گرفته. همچون "سیاتل" که ظهور جنبش گلوبال عدالت جهانی را نشانه زد، "راهپیمایی اقلیم توده" هم می‌تواند جشن پیدایش جنبش اقلیمی باشد.

در دهه اخیر اما رویدادها و مناسبت‌های مهمی وجود داشته، از دیدار سران جهان در ریودژانیرو و فیلم "ال گور" تا گردباد "سندی" که در کوتاه مدت توانستند توجه افکار همگانی را به سوی تغییرات اقلیمی جلب کنند، اما با این وجود قادر نشدند مانع کاهش شتابان تاثیر خود بشوند.

در گذشته جنبش‌های اقلیمی فوق العاده نخبه‌گرا بودند. این اعتقاد حاکم بود که به جنبش‌های پایه‌ای نیازی نیست، بسا مهمتر از آن داشتن افراد مشهور و میلیاردرها یا یک معاون سابق ریاست جمهوری مثل ال گور در جبهه خود است. من گمان می‌کنم این امر به لغزنده شدن موضوعات کمک کرد. وقتی استراتژی تو بر این اساس استوار شده که یک سری ستاره و میلیاردر را به طرف خودت بکشی، آنگاه نباید شگفت زده شوی که زمانی موضوع برای آنها کسل کننده شود و به سمت موضوعات دیگر بروند. مجله مد Vanity Fair سالانه به موضوع زیست محیطی سال جایزه می‌دهد و حداکثر دو سال بعد آن موضوع به دست فراموشی سپرده شده. مد تغییر می‌کند.

اکنون برای اولین بار است که جنبش اقلیمی در آمریکای شمالی، یک جنبش توده‌ای است؛ یک ویژگی که به آن توانایی پایداری می‌دهد. نکته اصلی این است که جنبش امروز ریشه دار است. مشکل استراتژی از بالا به پایین این است که تکیه گاه اجتماعی ندارد و وقتی یک جنبش ریشه ندارد، به سادگی می‌تواند جارو شود.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

"جهان جای خطرناکیست! نه به خاطر وجود افراد ستمگر و دَدمنش، بلکه به دلیل وجود افرادی که در برابر آنها نمی‌ایستند" (آلبرت اینشتین (۱۴ مارس ۱۸۷۹ - ۱۸ آوریل ۱۹۵۵) فیزیکدان نظری آلمانی)

"پیوسته در تاریخ زمانهایی می‌رسد که آنکه جرات کند و بگوید دو دو تا چهار تا می‌شود، مجازاتش مرگ است" (آلبرت کامو (۷ نوامبر ۱۹۱۳ - ۴ ژانویه ۱۹۶۰)، نویسنده، فیلسوف و روزنامه‌نگار الجزایری - فرانسوی تبار)

"انسانها تنها با زایمان مادرشان به دنیا نمی‌آیند، آنها بارها و بارها به دلیل کسب تجربه‌های تازه زاده می‌شوند" (گابریل گارسیا مارکز (۶ مارس ۱۹۲۷ - ۱۷ آوریل ۲۰۱۴) رمان‌نویس، نویسنده، روزنامه‌نگار، ناشر و فعال سیاسی کلمبیایی)

موسیقی

دو عضو گروه "پوسی رایت" برنده جایزه هانا آرنه

جایزه "هانا آرنه" به دو عضو گروه پوسی رایت که با ترانه‌ای در کلیسا، پوتین را به تمسخر گرفته بودند، رسید. آنها خواننده بودند: "ای مادر مقدس، پوتین رو دک کن بره."

بنیاد "هاینریش بل" و شهر "برمن" آلمان از سال ۱۹۹۵ جایزه هانا آرنه را به عنوان ستایش، به شخصی اهدا می کنند که در مقابل خودکامگی ایستاده باشد. دو عضو گروه موسیقی پوسی رایت، "نادژدا تولوکونیکووا" و "ماریا آلیوخینا" نیز به خاطر مقاومت شان در برابر اقتدارگرایی سیاسی این جایزه را کسب کردند.

"یوری آندروشوویچ"، نویسنده اوکراینی، به همراه دو عضو گروه مذکور این جایزه ۱۰ هزار یورویی را دریافت خواهند کرد. این نویسنده به عنوان یکی از مهم ترین صداها علیه روسیه در اوکراین شناخته می شود.

حکم زندان دادگاه اعضای گروه پوسی رایت علیه این دو خواننده با واکنشهای جهانی روبرو شد. سازمان عفو بین الملل از جمله رای دادگاه را "تکان دهنده، ناعادلانه، با انگیزه های سیاسی و ضربه ای شدید علیه آزادی بیان و عقیده" خواند.

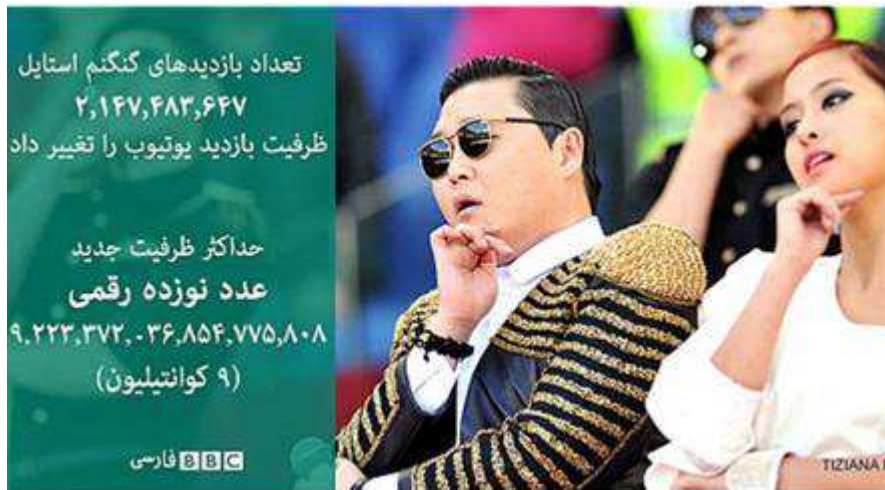
علیزاده دریافت نشان شوالیه را رد کرد

حسین علیزاده، آهنگساز و موسیقیدان، با انتشار نامه ای سرگشاده از دریافت نشان شوالیه از دولت فرانسه انصراف داد. وی در این باره گفت: "شاید اگر در دیار ما توجه و درک از هنر والای موسیقی همان طور که نزد مردم است، نزد مسوولان - که باید خدمتگزاران تاریخ و فرهنگ و هنر باشند - می بود، یک هدیه و عنوان غیر خودی این همه انعکاس نداشت." وی افزود: "وقتی در فضای هنری نور کافی نباشد، چراغی کوچک خورشید می شود."

علیزاده ضمن قدردانی از مسوولان کشور و سفارت فرانسه و ارج گذاری از تمام بزرگان ایران و جهان که نشان با ارزش شوالیه را دریافت کرده اند، خود را بی نیاز از دریافت هر نشانی دانست.

محمد رضا شجریان در واکنش به این اقدام با اشاره به افرادی که از این نامه سواستفاده می کنند گفت: "تصمیم علیزاده اعتراض به بادمجان دور قاب چینهاست."

یوتیوب ظرفیت بازدیدش را به خاطر "گنگم استایل" افزایش داد



ویدیو کلیپ کره ای "گنگم استایل"، اثر خواننده پاپ کره ای، "سای"، که در سال ۲۰۱۲ ساخته شد، از حداکثر ظرفیت بازدید "یوتیوب" فراتر رفت و این سایت را ناگزیر به تغییر ظرفیت شمارشگرش کرد.

یوتیوب گفته است که این ویدیو که پربیننده ترین ویدیو تاریخ این سرویس است، بیش از ۲ میلیارد و ۱۴۷ میلیون بار

دیده شده است. یوتیوب اکنون حداکثر ظرفیت بازدید ویدیوها را به عدد ۱۹ رقمی "۹ کوانتیلیون" افزایش داده است.

نام این ویدیو از محله ای در حاشیه شهر سوول، پایتخت کره جنوبی، برگرفته شده و در آن چهره اصلی با افراد مختلف در مکانهای گوناگون و در وضعیتهای بسیار متنوع می رقصند.

گنگم استایل در سال ۲۰۱۲ جایزه "ام تی وی" در اروپا را به خود اختصاص داد و موزیک ویدیو سال شد. دومین ویدیوی پربازدید یوتیوب، موزیک ویدیوی "Baby" خواننده کانادایی، "جاستین بیبر" است که بیش از یک میلیارد بازدید از گنگم استایل فاصله دارد.

نامزد های اصلی جوایز گرمی ۲۰۱۵

"بیانسه"، "سام اسمیت" و "اد شیران" نامزدهای اصلی جوایز گرمی ۲۰۱۵ شناخته شدند. سام اسمیت خواننده جوان انگلیسی در شش رشته از جمله بهترین هنرمند نورسیده، نامزد شده است. آهنگ با من بمان (Stay with me) نیز نامزد بهترین اجرای پاپ و بهترین ضبط سال شده است. از دیگر انگلیسیها می شود به "کلد پلی"، "اد شیران" و چارلی XCX اشاره کرد که در کنار "فرل ویلیامز" و "بیانسه" نامزد این جوایز شده اند. "چارلی XCX" همچنین برای آهنگ پر فروش "خیال" که با "ایگی آزالیا" خوانده، نامزد چند جایزه شده است. بیانسه نیز با پنجمین آلبوم خود نامزد چند رشته از جمله جایزه اصلی گرمی در رشته آلبوم سال شده است. مراسم پنجاه و هفتمین دوره جوایز گرمی روز ۸ فوریه ۲۰۱۵ در لس آنجلس برگزار خواهد شد.

نقاشی

پیوند هنر و رنج در نمایشگاهی در ژنو



نمایشگاه کاملاً متفاوت و نوآورانه ای از آثار هنری در موزه صلیب سرخ شهر ژنو برپا شده که هدف آن نشان دادن رابطه هنرمندان با رنج است. در این نمایشگاه که با عنوان "همه چیز انسانی" برگزار می شود، آثاری به نمایش گذاشته شده که به شکلی بسیار برجسته و دلخراش، رنج و مصیبتی را که انسانها در صد سال گذشته به یکدیگر تحمیل کرده اند، نشان می دهند. این نمایشگاه با آثاری مثل طرحهای سیاه قلم "اوتو دیکس" از زندگی در سنگرهای جبهه های جنگ جهانی اول تا مونتاژ عکاسی از صحنه های جنگ عراق،

نتیجه همکاری موزه صلیب سرخ و موزه هنرهای مدرن و معاصر شهر ژنو، مامکو، است. "راجر مایو"، مدیر موزه صلیب سرخ، معتقد است که برگزاری چنین نمایشگاهی در شهر ژنو بسیار بجاست چون دفتر مرکزی بسیاری از نهادهای سازمان ملل متحد و همین طور مرکز صلیب سرخ جهانی در این شهر قرار دارد. ژنو همزمان محل تولد و امضای پیمان بین المللی نظارت بر رفتار دولتها در زمان جنگ، یعنی کنوانسیون ژنو است. از آثار به نمایش در آمده می توان از مجموعه نقاشیهای "نیکلای گتمن"، هنرمند اوکراینی نام برد که از وضعیت بازداشتگاههای کار اجباری دوران استالین الهام گرفته اند که خود او هشت سال در آنجا حبس بود. همچنین "بانوی گریان"، اثر پابلو پیکاسو، شاهدهی است از خشم این هنرمند از آنچه که در جریان جنگ داخلی اسپانیا بر سر هموطنانش آمد.

"شورش در شهر تاریک"، اثر "کارا واکر" یک مجموعه چند رسانه ای است که فیلم، عکس و نقاشی را شامل می شود یکی دیگر از آثار شاخص این نمایشگاه تابلوی "پناهجو" اثر "فلیکس نوزباوم" است که در سال ۱۹۳۹ کشیده شده. او یک آلمانی یهودی تبار بود و در سال ۱۹۴۴ همراه با تمام اعضای خانواده اش در اردوگاه "آشویتس" به قتل رسید. این نمایشگاه بازدید کنندگان فراوانی را به خود جلب کرده است.

رکورد جدیدی برای یکی از آثار ترنر



تابلویی از "ویلیام ترنر"، نقاش سرشناس انگلیسی در قرن نوزدهم، در یک حراجی به قیمت ۳۰,۳ میلیون پوند به شخصی که هویتش فاش نشد، فروخته شد و رکورد جدیدی برجا گذاشت. به گفته سخنگوی حراجی "ساتی"، مبلغ فروش این تابلو بالاترین رقمی است که بابت یک اثر نقاشی انگلیسی در دوره پیش از قرن بیستم پرداخت شده است.

جی دبلیو ام ترنر (۱۷۷۵-۱۸۵۱) در سالهای جوانی تحت تاثیر نقاشان بزرگ ایتالیایی بود و بارها به ایتالیا سفر کرد. بسیاری از برجسته ترین آثار او را چشم اندازهای ایتالیایی تشکیل می دهند.

فیلم

نامزدهای بهترین فیلم خارجی سال ۲۰۱۴

در مسابقه اسکار سال آینده، فیلمهایی از ۸۴ کشور برای کسب جایزه بهترین فیلم خارجی رقابت خواهند کرد. برنده های احتمالی :

"دو روز، یک شب"

- "ماریون کوتیار" نقش شخصیت اصلی فیلم "دو روز، یک شب" را که درامی پرهیجان و دشوار است، بازی می کند. این فیلم از سوی بلژیک نامزد اسکار بهترین فیلم خارجی شده است. "نهنگ"

- فیلم "نهنگ" به کارگردانی "آندری زویاجینتسف" فساد در روسیه معاصر را نشان می دهد. این فیلم جایزه بهترین فیلمنامه را از جشنواره فیلم کن به دست آورد و در جشنواره فیلم لندن به عنوان بهترین فیلم انتخاب شد. "خواب زمستانی"

- "نوری بیلگه جیلان"، کارگردان اهل ترکیه، داستانی الهام گرفته شده از "آنتوان چخوف" را در "خواب زمستانی" روایت می کند. این فیلم برنده نخل طلا در جشنواره فیلم کن شده است و نامزد ترکیه برای اسکار بهترین فیلم خارجی است. "ایدا"

- فیلم "ایدا" اثر "پاول پولیکوفسکی" در دهه ۱۹۶۰ در لهستان می گذرد. شخصیت اصلی فیلم دختری هجده ساله و یتیم است. او تمام عمرش را در یک صومعه سپری کرده است. این فیلم موضوعاتی چون اعتقاد به مذهب کاتولیک و نیز یهودی ستیزی در لهستان را بررسی می کند. "مامی"

- از فیلم کانادایی "مامی" به کارگردانی "زاویه دولان" ۲۵ ساله همچون یک شوک الکتریکی در جریان جشنواره فیلم کن نام برده شد. این فیلم جایزه بزرگ هیات داوران جشنواره کن را همراه با فیلم "ژان لوک گدار" دریافت کرد.

پرفروش ترین فیلمهای اروپایی در سالی که گذشت

فیلم کمدی داستانی "هشت فامیل باسکی" یا "یک ماجرای اسپانیایی" به کارگردانی "امیلیو مارتینز لازارو"، بیش از ۶ میلیون و پانصد هزار تن را به سالن سینماهای اسپانیا کشاند.

فرانسویها هم یک کمدی را به دیگر فیلمهای داستانی سال ترجیح دادند. "مگر ما چه گناهی کردیم؟" ماجرای خانواده مسیحی و بورژوازی ست که هر چهار دختر آن با مردانی از نژاد و قومهای متفاوت رابطه عاشقانه دارند. "فلیپ دو شوورون" سعی داشته در این فیلم کلیشه های موجود در جامعه فرانسه را به نقد و سخره بگیرد؛ نقدی که مورد استقبال بیش از ۱۲ میلیون تن قرار گرفت.

در پرتغال، اقتباس سینمایی یک رمان کلاسیک موفقیتی چشمگیر به همراه داشت. "خانواده مایاس: فصلهایی از زندگی رمانتیک"، نوشته "اسه د کی روش"، نویسنده ممتاز پرتغالی است که در قرن نوزدهم میلادی زیست. این فیلم به کارگردانی "ژائو بوتلو"، زندگی اشراف زاده ای در سالهای ۱۸۷۰ همزمان با پایان دوران پادشاهی در پرتغال را به تصویر کشیده است.

تخت به جای صندلی سینما در بوداپست

اولین سینمای دارای تخت به جای صندلی در اروپا در بوداپست افتتاح شد. برای این سینما بیش از سه میلیون یورو سرمایه گذاری شده است و ده سال ساخت آن طول کشیده است. تماشاگران در این سینما می توانند فیلم را با دراز کشیدن روی تخت و با بالشهایی زیر سرشان دنبال کنند. از آنجا که موضوع بهداشت در این سینما بسیار با اهمیت است، منسوجات مورد استفاده برای تختها و بالشها در این سینما به سادگی قابل شستشو است.

در این سینما به جای فیلمهای جدید، فیلمهای کلاسیک قدیمی به نمایش در می آید. در سینمای مزبور هر نفر فقط یک بلیط برای کل یک تخت می تواند تهیه کند که قیمت آن ۱۸ یورو است که دو نفر همراه با دو بچه زیر ده سال می توانند از آن استفاده کنند.

تهدید سایبری سونی به خاطر اکران فیلم "مصاحبه"



شرکت "سونی" که یک کمدی به نام "مصاحبه" با موضوع سووقصد به جان رهبر کره شمالی را آماده نمایش کرده بود، به دلیل یک حمله سایبری اکران آن را لغو کرد. قرار بود این کمدی ۲۵ دسامبر اکران شود.

باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، از این اقدام سونی به

شدت انتقاد کرد و گفت: "ما نمی توانیم در جامعه ای زندگی کنیم که یک دیکتاتور در جایی از جهان ناگهان تصمیم بگیرد در آمریکا اعمال سانسور کند."

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

"آرزوی سبز"

م . وحیدی (م.صبح)

در بهار رفتی و

زمزمه هایت

چه سبز بودند

و شکوفه های گلدانت

گاهواره قیل و قال سارها

و گنجشکان

و ندیدی

در متن تیره کوچه ها

بیابان های خشک

برآمدند

چلچله ها

از سقف اتاق ها

پر کشیدند

و عادت آوازشان

درکسالت ابری حیات

به فراموشی رفت

ای عصاره نور و آفتاب و باران!

شاخه ای از رویای قناری ها

بمن بده !

با پر یک خاطره

تا پنجره باغ چشم شهرم را

فقط یک لحظه

به روی تو

باز کنم .

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران

و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

فشار و تهدید زندانیان اعتصابی کرد نقض حقوق بشر است

لیلا جدیدی

فراسوی خبر ... شنبه ۲۲ آذر

۲۳ روز از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان ارومیه می گذرد. جمهوری اسلامی با واکنش غیرانسانی به اعتراض آنها، به آشکارترین شکل ممکن نقض حقوق بشر تحت حاکمیت خود را در برابر دید قرار داده است. در حالیکه اعتصاب غذا به عنوان شکلی از اعتراض مسالمت آمیز در سراسر جهان شناخته شده و بی اعتنایی به آن به طور تاریخی، سیاسی و فرهنگی، بی حرمتی به جان انسان و رسوایی به شمار می رود، رژیم جمهوری اسلامی دست به اعمال زور و شکنجه روحی و روانی این معترضان زده است.

۲۹ نفر از زندانیان سیاسی کرد در زندان ارومیه که خواستار جداسازی زندانیان سیاسی از سایر بندها، عدم انتقال زندانیان عادی به بند زندانیان سیاسی (بند ۱۲) و خاتمه فشارهای ارگانه‌های اطلاعاتی بر زندانیان هستند، پس از بی اعتنایی مقامهای زندان نسبت به خواسته های شان، از بیست و سه روز پیش دست به اعتصاب غذا زده اند.

در حالی که زندانیان پس از روزها اعتصاب غذا ضعیف شده و برخی دچار ضعف شدید، بی حسی و سرگیجه شده اند، مسوولان اطلاعاتی و امنیتی زندان به جای رسیدگی به اعتراضات، آنها را تحت سخت ترین فشارها قرار داده اند و با توسل به زور و تهدید تلاش می کنند تا مقاومت آنان را در هم بشکنند.

در همین رابطه، زندانی سیاسی، علی افشاری که به دلیل وخامت جسمانی به بیمارستان برده شده بوده است، با گذاشتن اسلحه بر سرش از سوی یک مزدور وزارت اطلاعات به نام "محمد بهرامی"، تهدید به مرگ در صورت خودداری از شکستن اعتصاب شده است.

عده ای از بستگان ۲۶ زندانی کرد که هنوز در اعتصاب غذا بسر می برند، در اعتراض به رفتار غیر انسانی با فرزندان شان، در مقابل اداره اطلاعات ارومیه و ساختمان دادگستری استان ارومیه تجمع کرده اند که این نیز مورد بی توجهی مسوولان حکومت قرار گرفته است. طی ۲۳ روز گذشته شماری از زندانیان سیاسی محبوس در سایر زندانهای کشور نیز با پیوستن به اعتصاب کنندگان ارومیه و با انتشار بیانیه، همبستگی خود را با این زندانیان اعلام کرده اند.

همراه دیگر زندانیان سیاسی دربند و خانواده های آنان، به یاری زندانیان سیاسی اعتصابی برویم و هر چه گسترده تر به افشای این تبهکاری علیه هموطنان کرد معترض در زندان ارومیه پردازیم.

شهدای فدایی دی ماه



رفیق بهمن رحی آهنگران

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی - مرتضی حاج شفیعی ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - خدابخش شالی به دست دژخیمان شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،
- ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

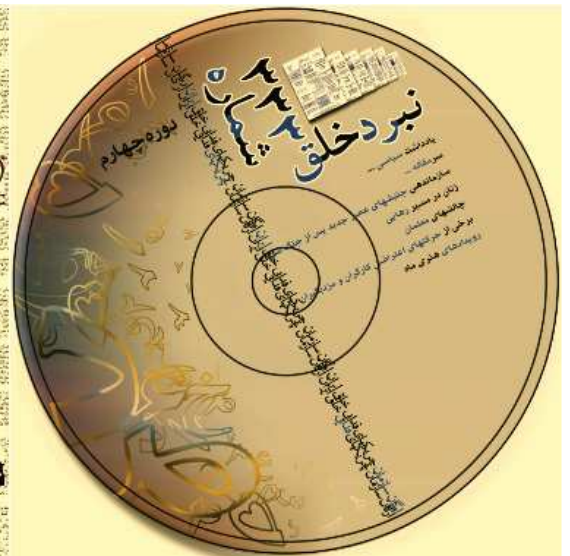
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 354 22 december 2014

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org